

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

زیر و بم

پژوهشی در گستره‌ی
موسیقی اصیل بدخشان
هرات و بادغیس

وحید قاسمی

زیر و بم

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

استفاده و اقتباس از نوشته های این کتاب با ذکر منبع مجاز است.
این کتاب رایگان نیست اما به منظور ترغیب به کتابخوانی در حال حاضر به طور رایگان در اختیار خواننده قرار گرفته است.
نظرات مطرح شده در این کتاب الزاما خواست و مشی آرمان شهر نیست.

شماره های تماس: ۰۷۷۵۳۲۱۶۹۷ / ۰۷۸۷۱۹۵۲۱۲
ایمیل: armanshahrfoundation.openasia@gmail.com
تارنما: <http://armanshahropenasia.wordpress.com>

شناسنامه:

زیر و بم

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

نویسنده و پژوهشگر: وحید قاسمی

عکاس: بدخشان ظریف زاهد، هرات رفیع بهروزیان

ویرایش و انتشار: بنیاد آرمان شهر

طرح جلد و برگ آرایشی: روح الامین امینی

چاپ اول: ۱۳۹۰ خورشیدی

شماره گان: ۱۰۰۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

این کتاب با حمایت مالی اتحادیه مالی اروپا و سفارت فرانسه در افغانستان منتشر شده است. مسؤولیت انتشار کتاب به عهده بنیاد آرمان شهر و مسؤولیت محتوای مطالب به عهده نویسنده یا نویسندگان است و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب دیدگاه نهادهای نامبرده محسوب شود.

۷۸۶

با علم و قدم عشق می نویسم
 و هر مایمی بیشتر از سی سال است که با عشق در حوزة
 موسیقی نگاری کند. عشق که به قول هفت حافظ:
 هو آنکسی کرد در این طلقه نیت زنده بر عشق
 بر او غمزه به فتوای من نماز کند
 خوشالم که امروز زنده ام نه به این خاطر که نگاه
 عاشق دنیا باستم بلکه به این دلیل که عاشق
 مردمی هستم که سال گذشته با همه فرزندان و
 فرودگیم را شنیده اند و عاشق موسیقی هستند.
 من با عشق که به موسیقی دارم عاشق مردمی
 هستم که با جان و دل به نواهای تار و دو تار و تار...
 گوش سپرده رند.
 آنچه را که در صفحات بعد خواهد خواند داستانی و
 یادداشتی می باشد که حدود ده سال است
 از روی عشق که به شما داشته ام و به موسیقی،
 در حدود موسیقی بدشان، حرارت و بارش کردم
 آورده ام و به بنیاد ارمان شهر سپردم تا با اشتار
 آنها بلکه بتوانم تک کوهی کرده باشم به زنده ماندن

تمام احوالت ای که به خاطر آنها زنده ایم و معجز
نفسی که کشیم.

آخیر مسلم است بنیاد فقهی آقاخان در سن ۱۲۱۱
نفسی از یادداشت‌ها دیدنی به گردنم دارد که آنرا
به هیچ وجه ناپدید نمی‌کنم و خالصت ای این بنیاد را
در حوزه فرهنگ به بیره قدری تقدیم.

مردمی که در سده‌های اخیر زندگی می‌کنند و همسر و فرزند
های بی‌مسئولیت و بی‌مسئولیت دارند به سوی مکه می‌روند
که همان‌ها برین می‌توانند داشته‌ها و احوالت ای سال را
حفظ کنند.

به همین مناسبت است که من نیز با کمال عشق و اقبال به
این مهم دست به قول حضرت بیدل مکر و قدم برداشتم
تا به خواسته شما پاسخ بگویم:

ما را نه در بیست نه شادایی
جز تحفه عجز بندگی تقدیمی
چون شاخ مکی که فرم خود روشن کنیم
از دوست سلامی در زمانه سستی

در سده‌ها و کما و غیره



۱۳۹۷-۷-۲۳

موسیقی اصیل بدخشان

موسیقی اصیل بدخشان

موسیقی بدخشان را میتوانیم در دو حوزه هنری، موسیقی پامیری و موسیقی تخاری دسته بندی نماییم. موسیقی پامیری در برگیرنده‌ی شاخه‌ها، سبک‌ها و آثار موسیقایی می‌باشد که در دو بدخشان امروزی یعنی افغانستان و تاجکستان از سوی هنرمندان پیشین تا امروز ارایه می‌گردد.

آن چه را تا امروز در بدخشان زیر نام موسیقی پامیری می‌یابیم و می‌شنویم، ویژه نمونه‌هایی است از موسیقی باستانی ما که پیوند بیشتر با موسیقی مقامی قدیم آریایی و یا شاخه‌هایی ازین مقام‌ها، که در گذشته ۱۲ مقام بوده، دارد این نغمه‌ها و آهنگهای سرزمین ما سینه به سینه از نسلی به نسلی انتقال نموده که روح و روان مردم با آن آشنا و باشندگان این مرزوبوم، از شنیدن آن لذت می‌برند. موسیقی پامیری در اشکاشم، شغنان، واخان، یفتل، جرم، درواز، زیباک، بهارک و حتی تا کشم و تخار مروج می‌باشد. سبک‌ها و آثار در موسیقی پامیری قرار ذیل است :

موسیقی نیایشی و مداحان : موسیقی مذهبی را مردم ما در بدخشان به دیده احترام مینگرند. در این آثارنشانه‌هایی از موسیقی بومی و کهن پامیری به گوش می‌رسد. آهنگ‌ها در قالب اشعار حمدیه، نعتیه و اشعار عارفانه

زیر و بم

به گونه روانی یا دسته جمعی توسط مداحان اجرا می گردد. مداحان، آواز خوانان و نوازندگانی هستند که این هنر را، از اجدادشان و از نسلی به نسلی به امانت گرفته اند. اجرای این موسیقی را جز مداحانی که به قصیده خوانان نیز معروف می باشند، هنرمندان دیگر اجازه ندارند. سبک موسیقی مذهبی هیچ نوع شباهتی با دیگر سبک های موسیقی پامیری ندارد، مداحان آهنگ های مذهبی را بیشتر در قالب اشعار دیوان شمس و دیگر آثار حضرت مولانای بلخی، حضرت ناصر خسرو قبادیانی، خنجری و دیگر عرفا اجرا می نمایند. در اجرای موسیقی از رباب پامیری، دف و زیر بغلی استفاده می گردد. این نوع موسیقی را قصیده خوانی نیز می نامند و فقط در مراسم مذهبی و سوگواری قابل اجرا می باشد.

آهنگ های قصیده معمولاً در سه بخش اجرا می گردد: نخست تار چینی که بیشتر روی پرده های بم اجرا می شود بخش دوم را رپای یا دو ضربه می نامند که روانی ساز و آواز بیشتر می گردد. بخش سوم اوج مقام نامیده می شود.

در جریان قصیده خوانی کس حق ندارد شوخی، بی توجهی، قصه و یا بی میلی نشان بدهد. کسانی که در جریان اجرای قصیده به این اعمال دست بزنند، از جانب بزرگان مجلس شدیداً سرزنش و حتی گاهی از مجلس بیرون رانده می شوند.

دف بزم: گروهی از دف نوازان به صورت دسته جمعی آواز می خوانند و اصول اجرای موسیقی در این سبک به گونه ایی است که دف نوازان در آغاز ابیات را به شکل روانی (باهم) می خوانند و بعد از این که آهنگ اوج گرفت یکی از روانی گویان دف را به دیگری داده خودش در میدان اتاق که پاره یا پایگشت نامیده می شود، رقص کنان به ادامه ی آهنگ می پردازد.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

وقتی این بزم تیزتر و هیجانی تر می شود، تماشا چیان (خصوصاً اطفال و جوانان) «جوش» گفته چک می زنند. تماشاچیان دیگر به خواننده پول می دهند که آن را «هوا دار» می گویند. مادر، خواهر و بانوانی که از نزدیکان شاه و یا عروس باشند، دستمال های گل دوزی را به مردان محرم خانواده خود می دهند تا به گردن هنرمندان ببندند. **فلک خوانی:** یکی از شیوه های دیرینه‌ی در موسیقی پامیری فلک خوانی است و از انواع فلک ها بدین گونه می توان نام برد: فلک چوپانی، پیچاپیچ، فلک بزم، آرام، فلک روانی، تند و پران، فلک آبشاری، فلک زنانه که از سوی بانوان در زمان کار و یا به گونه‌ی سوگ سرودها در مراسم غم و اندوه ارایه می گردد. آهنگ های فلک را هنرمندان به سه گونه اجرا می دارند.

فلک آرام: این بخش در قالب رباعیات، گاهی بدون ضرب به گونه فلک چوپانی و گاهی در قیدضرب ۵/۸ موسیقی به گونه فلک بزم اجرا می گردد.

۱۱

بنفشه ره بوی کو به لب جویبار است
 مانند بنفشه هر گلی بسیار است
 مانند بنفشه گل نروید به جهان
 اصل و نصب بنفشه از کوهسار است

مه صدقه شوم بنفشه کوهی ره
 یارک میده گک این ره و این دوری ره
 تا وقتی بودیم جنگ و جدل می کردیم
 حاضر می کشم عذاب ره دوری ره
فلک روان: در قالب رباعیات و یا دو بیتی ها، درضرب ۴/۴ و یا ۲/۴ موسیقی اجرا می گردد.
 خدا جان عاشق زارم تو کردی
 درخت گل بودم، خارم تو کردی

زیر و بم

درخت گل بودم در کوه درواز
به مثل گل بودم، خارم تو کردی
فلک تند و پران: در قالب دوبیتی، رباعی و یا ابیاتی به
گونه تصنیف و ترانه، در ضرب ۷/۸ موسیقی اجرا می
گردد.

زار زارم از برای سبزینه ای
هوس دارم بر آیی از خانه ای

یار سبزینه به سر شال دارد
مابین هر دو ابروش خال دارد
نازنین تکیه بر دیوال (دیوار) دارد
می مانم در بلای سبزینه ای

یار سبزینه ام تره می گویم
یک لحظه گک بشی در پهلویم
۱۲ دردای دلمه بخشش می گویم
می مانم در بلای سبزینه ای

یار سبزینه مه در بند راغ است
مثال برف زمستان خُنک است
لب و دندان سفیدش تُنک است
می مانم در بلای سبزینه ای

یار سبزینه ام جوانی کاکه
شب تا صبح گوش می دارم گپایته
شانه می کنم زلفکهای سیایته
می مانم در بلای سبزینه ای

یار سبزینه ام، چرا غمگینی؟
به چشم بدت مره می بینی؟

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

به خدا جان، در نظرم شیرینی
می مانم در بلای سبزینه ای

آهنگ های مناسبی

فلک دهقانی: دهقانان در فصل جمع آوری حاصلات و در جریان کاردسته جمعی، هر کدام به نوبه خود رباعیاتی را در قالب آهنگ می سرایند و در اخیر هر رباعی، دسته جمعی و به آواز بلند یاالله، یاالله، یاالله می گویند.

باشد ز من این روضه رضوان من است
اشکاشم من بند دل و جان من است
آن گوهر قیمتی که در عالم نیست
در سینه هر سنگ بدخشان من است

روانی (یا الله یا الله یا الله هی - محمد رسول الله هی)

فلک خوانی و بانوان: وقتی بانوان برای چیدن هیزم و یا سبزیجات و کار به دامنه های کوهسار مشغول می باشند، ۱۳ در آن وقت دست جمعی رباعیات را در قالب آهنگ های فلک می سرایند.

من بلبلم و رو به گلستان دارم
درد و غم باغ از زمستان دارم
گل های بهاری همه گی پژمردند
من تکیه به پیرهای کوهستان دارم

سوگ سرودها:

در ایام سوگواری، بانوان سوگسرود های خاصی را دسته جمعی به گونه فلک (فریاد) می خوانند:

در سوگ فرزند:

آی فریاد کنم نمی رسد آوازم
من نی بخرم ترا به نی بنوازم
و در پایان هر بیت دسته جمعی با یک صدا: بچه مای،

زیر و بم

بچه مای (فرزندم)

گل میرزای بهشتی: یکی از سوگسرودهای معروف و قدیمی است که داستان غرق شدن جوانی به اسم گل میرزا را حکایت می نماید و بیشترین مردمان پامیر این داستان را می دانند:

سفر کردیم از چیاپ
میریم به ملک کولاب
گل میرزا شد زیر آب
نوجوان، جان پدر

سله (دستار) سیاره (سیاه را) بستم
از آب پنچ گذشتیم
کجا شد کبک مستم؟

نوجوان، جان پدر
دریای خون آبه خور

۱۴ خون میرزا را نخور

غم مادرشه بخور

نوجوان، جان پدر

لب لب آب دویدم

گل میرزا ره ندیدم

قضاش (وقت مرگ) رسید، فهمیدم

نوجوان، جان پدر

قیوت (فریاد) کردم: ای دریا نه گوش داری نه صدا

گل میرزا، از آب برآ

نوجوان، جان پدر

گل میرزای بهشتی

داختم (انداختم) درون کشتی

از خون دل نوشتی

نوجوان، جان پدر

گل میرزای یتیم چه

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

اسپ بسته ده غنچه
آب خوردنش د چمچه
نوجوان، جان پدر
سفر کردیم برابر
نی خواهر اس، نی مادر
گل میرزا جان، بی پدر
نوجوان، جان پدر

سوگسرود مادر: این سوگسرود نیز خیلی قدیمی و اصیل است که توسط جناب میری مفتون باز خوانی شده و اصل آن را در دوران کودکی اش از دوشیزه ی در پامیر بدخشان شنیده بود:

کو مادرم، ای، نیست مادرم نیست
آی مادرم، جان مادرم، نیست مادرم نیست

۱۵

زرد آلوی زرد جگر بریانم
مادر که ندارم دیده ء گریانم
ینگم میگه ببری، برو از خانه (زن برادر)
دوستای شیرین، اکه (برادر کلان) مه دوست می دارم

ای آچهء (مادر) جان لب لب دریا روی، چی؟
ای مانده ماه نو، پیدا شوی، چی؟
مانده ماه نو بینم رو ته (روی تو را)
شمالک اشکاشم بیاره بو ته (بوی تو را)

ای شیر شیرینت مادر
آی مادرم، جان مادرم، نیست مادرم
ای مادرم، مادرم، نیست مادرم نیست
آهنگ های ویژه در مراسم عروسی: از آغاز مراسم تا انجام آن برای هر بخش سرود ویژه دارند که آیین مهر و دوستی را در بین مردم محل نشان می دهد. مراسم عروسی

زیر و بم

با آهنگ سر تراشان آغاز می گردد که در وصف داماد خوانده می شود.

۱- سر تراشان

امروز چه روز تراشان ای
شه جانک جان، جان جانانه ای
در گردن شاه دستمال آویزان ای
شه جانک جان، جان جانانه ای
پیاده به جر، سوار به میدان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
چشم های شه خمار و مستان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
دندان های شه یاقوت و مرجان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
پیشانی شاه تخت سلیمان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
۱۶ لبک های شاه پسته خندان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
این شاه سوار ما سواران ای
شه جانک جان، جان جانان ای
به پاهای شه کفش بدخشان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
پدرجان شاه بالای دوکان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
مادر جان شاه در سر دیگدان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
به گوش های شاه حلقه آویزان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
رفتار شاه کبک خرامان ای
شه جانک جان، جان جانان ای
لبان شاه پسته خندان ای

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

شه جانک جان، جان جانان ای
 قوم های شاه مست و غزل خوان ای
 شه جانک جان، جان جانان ای
 این قامت شاه غنچه لوزان ای
 شه جانک جان، جان جانان ای

۲- لباس پوشیدن شاه

شاه، زر رومال بستی کمره
 خودکت شیرین، لبانت شکره
 ما همه جمله به بازار می رویم
 شاه، زر رومال بستی کمره
 بهر شاه کالای نو می آریم
 او که بر تن بکند می نگریم
 بهر شاه جانم جاکت می آریم
 او که بر تن بکند می نگریم
 بهر شاه جانم لنگی می آریم
 او که سر بکند می نگریم
 بهر شاه جانم پیراز می آریم
 او که بر تن بکند می نگریم
 بهر شاه نقره انگشتر می آریم
 او که بر پنجه کند می نگریم
 بهر شاه جانم ساعت می آریم
 او که بر دست می بندد می نگریم

۳- رفتن شاه به خانه ی عروس

شاه ما امروز سفر می کنه
 منزله به جای دگر می کنه
 چشم سیاه مستت ای
 شاه ما امروز سفر می کنه

زیر و بم

جام طلا به دستت ای
شاه ما امروز سفر می کنه
یک نازنین به بام است ای
شاه ما امروز سفر می کنه
پرسید او را چه نام است
شاه ما امروز سفر می کنه
در فکر آن نگار است ای
شاه ما امروز سفر می کنه
اسپ قزل سوار است ای
شاه ما امروز سفر می کنه
پیش دمش چه بز کشیست
شاه ما امروز سفر می کنه
عجب جوان، عجب شهیست
شاه ما امروز سفر می کنه
برادران به رقص و ساز
شاه ما امروز سفر می کنه ۱۸
شاه جان ما به شوق و ناز
شاه ما امروز سفر می کنه
خدا رساندش به یار
شاه ما امروز سفر می کنه
به بوس و عشق و کنار
شاه ما امروز سفر می کنه

۴- رسیدن شاه به خانه‌ی عروس

وای شاه ما خوش آمد، پادشاه ما خوش آمد
ای بالا برآیی در جلوت ای، شاه ما خوش آمد
خانه درآیی دو بوست ای، شاه ما خوش آمد
بیا که بریم دَ سبزه شاه ما خوش آمد
تیره زدی دَ غمزه شاه ما خوش آمد

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

شاه ما خوش آمد	تیرت مرا نشانه کرد
شاه ما خوش آمد	عشقت مرا دیوانه کرد
شاه ما خوش آمد	دیوانه کویت منم
شاه ما خوش آمد	عاشق به گیسویت منم
شاه ما خوش آمد	بیا که میریم به سبزه
شاه ما خوش آمد	بیا که میریم سوی شکار
شاه ما خوش آمد	دو پنجه پنج تیره به کار
شاه ما خوش آمد	تو بز می زنی، مه قشقار
شاه ما خوش آمد	اندر سرای تیرکش
شاه ما خوش آمد	مردم ز بوی مشکش
شاه ما خوش آمد	چشم سیاته وا کن
شاه ما خوش آمد	گشته به مه نگاه کن
شاه ما خوش آمد	نی پول دارم، نی پیسه
شاه ما خوش آمد	دردای دلمه دوا کن
شاه ما خوش آمد	یک نازنین د بام است
شاه ما خوش آمد	او را پرسم چی نام است
شاه ما خوش آمد	قربان بخشش غلامست

۱۹

۵- آهنگ مبارکی

شاه ما مست، خمار است مبارک باشد
 موسم بوس و کنار است مبارک باشد
 کل ما جمله مهیاست، ببین، یار عزیز
 دست در گردن یار است، مبارک باشد
 پادشایا، به تو دادست خدا فرزندی
 پسر لاله زار است، مبارک باشد
 دود کوی نگارم به من آمد امروز
 روشنی شب تار است، مبارک باشد
 جامیا، دایما لعل لب تو مرهم است
 با دل و جان نگار است، مبارک باشد

زیر و بم

۶- شاه در منبر

شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 قد الف لامت شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 زلفان حلقه دامت شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 بچه، می شم غلامت شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 چشم سیاه مست شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 جام طلا به دست شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 بیا که بریم سیل چمن شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 تو گل بچین از پس من شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 چشمای سیاه زاغت شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 پدر نبینه داغت شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 پدر که بینه یا نی شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای
 دادر(برادر) نبینه داغت شاه در منبر ای، بالای تخت زر ای

۲۰- ۷- بردن عروس به خانه‌ی داماد

از آمدنت اگر خپر می داشتم
 اُندر سر ره تخم گله می کاشتم
 گل می کاشتم خودم نگاه می داشتم
 خاک قدمات به دیده می ورداشتم

دشت و کناره

لاله و نداره

عروس ما را میبرن

اسپا قطاره

در بادیه عشق تو چون فرهادم
 گه خسته، و گه بسته و گه دلشادم
 شاپورم و ناله ام به جایی نرسد
 شاید که به گوش تو رسد فریادم

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

سبزینه دختر که تازه سر بافته ای
 دو زلف سیاه ره پشت سر داخته ای
 پیکان تو در سینه و داغ تو به دل
 مره د مابین آتش انداخته ای
 دلکم، سرود جوانان عاشق:

دلکم یکی از آهنگ های عاشقانه ی ست که در عروسی ها جمعی از جوانان مهمان در محفل، با همراهی دسته ای از دف زنان به گونه ی روانی (کورس) آهنگ را با ساز و آواز اجرا می نمایند. آغاز آهنگ در قالب تصنیف دلکم (خدا جان دلک مه، طیبیا ره بیارید، بمالند دلک مه، رفیقا ره بیارید، بگیرند خوابک مه) در ضرب ۷/۸ تال مغولی اجرا می گردد. به دوام آن یکی از اشتراک کننده ها رباعی را میسراید که سه فرد را به تنهایی و فرد چهارم آن را روانی اجرا می دارند. به دوام آن جوانان یکی پی دیگر پیام شان را با سرودن آهنگ در قالب ابیات به معشوق اینچنین بازگو میدارند. شاید در گذشته نمونه های ۲۱ زیادی ازین قبیل وجود داشته که نمایانگر هارمونی و هماهنگی، در این موسیقی می باشد. ناگفته نباید گذاشت که در هر گوشه از بدخشان نمونه های متفاوت و بیشتر از آن چه معرفی گردید، وجود دارد و این نمونه ها معرف بخشی از موسیقی بدخشان می باشد. در وضعیت کنونی وامیتی افغانستان، مجال برای پژوهش گسترده تر از این ممکن نبود.

آلات موسیقی پامیری:

۱- رباب پامیری: رباب پامیری ساز زخمه یی بوده و دارای پنج تار اصلی و یک تار اضافی می باشد. مثل گیچک و دمبوره تقسیمات پرده روی دسته ساز وجود ندارد و نوازنده با مهارت خویش، با انگشتان فاصله پرده، نیم پرده و ربع پرده را تشخیص می دهد.

زیر و بم

رباب پامیری تنها در موسیقی مذهبی و نیایش ها نواخته می شود.

۲- **دمبوره:** از قدیمی ترین سازهای سرزمین ما و در کشورهای همجوار چون ازبکستان، ترکمنستان، تاجکستان، چین و دیگر نقاط نیز مروج هست. دمبوره دارای دو رشته ی روده یی بوده و تقسیمات پرده ها روی دسته ساز وجود نداشته بلکه خود نوازنده با مهارت در فاصله های معین روی دسته ساز جایگاه پرده، نیم پرده و ربع پرده را شناسایی و احساس می نماید.

۳- **غیژک، قیچک:** واژه ی ترکی و به معنای آواز با گریه می باشد این ساز در آثار تاریخی دوره های ساسانی و دوره های بعدی دیده شده. دسته ی ساز تقریباً ۸۵ سانتی متر و کاسه ی آن آهنی و این ساز دو سیم فولادی نقره یی به گونه ی دولا تاب خورده دارد. و دارای دو گوشک برای کوک کردن تارها و یک خرک چوبی در ۲۲ زیر تارها، که روی کاسه ی آن قرار می گیرد، می باشد.

۴- **نی:** نی از ساده ترین و طبیعی ترین سازهای بادی است که با روئیدن از زمین پیوسته در دسترس بوده و انسان با مختصر تصرفی از آن استفاده کرده است. مردمان گذشته نی را سرمشق قرار داده، از روی آن سازهای مختلف بادی را ساخته و در صلح و جنگ به کار بردند.

۵- **زیر بغلی:** ساز کوبه یی بوده و در کشور ما سفالی آن بیشتر معمول است. از چوب و برنج هم ساخته می شود و در بیشترین نقاط افغانستان رواج دارد.

۶- **دف:** سازی کوبه است که چنبر آن به شکل گرد و گاهی اوقات مربع، و از جنس چوب است و بر آن پوستی از بز یا گوسفند می کشند. بر طبق روایاتی که از روزگاران کهن در ادبیات باستان آمده است، مراسم جشن نوروز و تحویل سال پارسیان در دوران شاهنشاهی ساسانیان، توسط نوای دف همراهی می شده است. دف

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

ساز قدیمی سرزمین ما می باشد که فعلا در پنجشیر نورستان و بدخشان بیشتر استفاده می گردد. در قدیم دف یا دایره کوچک را که چنبر برنجی می داشت خمک یا خمبک می نامیدند. زنگ های چنبر را جلاجل و دف نوازان را در دوره اسلام جلاجل زن می خواندند.

۷- **زنگ (تال):** از دو تکه فلز دایروی کوچک ساخته شده و با دو دست به هم نواخته می شود. هم گونه این ساز در شیوه نواختن می توان از قیراق و تاسک نامبرد.

۸- **چنگ:** اله خیلی کوچک فلزی است که در میان دند ان های جلو قرار می گیرد و با یک دست در دهن محکم گرفته می شود و با پنجه دست دیگر آن را به صدا می آورند. حین نواختن چنگ باید مرتب نفس کشیده شود زیرا صدا های زیر و بم توسط فشار نفس ها و باز و بسته شدن لب ها اجرا می گردد.

۹- **قشقارچه:** از ساز های زخمه یی می باشد که در گذشته در بدخشان نوازندگان زیاد داشته ولی امروز بسیار ۲۳ کم رنگ و حتی از رواج افتاده است.

موسیقی تخاری

موسیقی تخاری که امروز به نام سبک قطغنی معروف گردیده، آمیزه یی است از سبک های موسیقی ازبکی، ترکمنی و بدخشی، که تاثیرات دو جانبه بین موسیقی شهری و موسیقی تخاری را بر هم دیگر به وضاحت مشاهده می نماییم. همجواری شهر های بزرگ و انس مردم نسبت به این سبک ها سبب گردیده که تا دور دست ها در میان مردمان، رواج و گسترش یابد. موسیقی تخاری در مناطق مختلف، از فیض آباد بدخشان تا فرخار، سمنگان، فاریاب و نواحی همجوار مروج می باشد. نمونه های برجسته درین سبک عبارت اند از: نغمه های لاره یا لاریه، نیریز، مقام یا راگ فرخاری، انواع

زیر و بم

فلک های آبشاری، خاوری، پیچاپیچ، تلقین، سنگردی، مقام، قرصک، ساز قیصار، نغمه های منسوب به بابۀ قران، قطعات آق پشک، آدم خانی، قدوس بای، لرخوابی، سرمه یی تایله، گوراوغلی خوانی و نمونه های از این قبیل می باشد.

از ویژگی های دیگر آهنگ ها در سبک تخاری این است که آواز خوانان با در نظر داشت وضعیت محفل، بیشتر اشعار را فی البداهه میسرایند که امروز هنرمندان در محافل از سوی مردم مجبور می شوند تا در وصف شان شعری بسرایند و در بدل بخششی دریافت نمایند.

لاریه: قطعات سازی و نغمه هایست که بگونه پیش درآمد برای اجرای یک چاشنی یا چندین آهنگ در یک مقام، نواخته می شود که از قدیم تا امروز در بین هنرمندان فرخار حفظ گردیده است. نیم قرن پیش از امروز در موسیقی خرابات کابل هم این نغمه ها به همین منظور نواخته می شد که امروز کمرنگ شده و حتی مروج نیست.

نیریز: نام یکی از گوشه های موسیقی مقامی بوده که در متون قدیم تذکر یافته است. نیریز را هنرمندان و مردم، من حیث یکی از سبک قدیمی مربوط به موسیقی بدخشان می شمارند. نیریز را در مایه مقام راست که برابر به تات بلاول سبک هندی می باشد یعنی در گام ماژور، در قالب اشعار غزل و ضرب ۴/۴ اجرا می نمایند. نیریز نمونه ی خوبی از موسیقی تکامل یافته ی بدخشان قدیم است.

نام گذاری ضرب های موسیقی: هنرمندان این حوزه ضرب های موسیقی را به این نام ها یاد می کنند: دادره (۶/۸) را کشه کی، کهروا (۴/۴) را هموار، مغولی (۷/۸) را پیران و گده (۲/۴) را دو ضربه ی پیران می نامند.

آلات موسیقی: سازها در حوزه ی تخاری دمبوره، غیچک، دو تار ترکمنی و ازبکی، زیر بغلی، چنگ، تال یا

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

زنگ، توله، قیراق، سنگتور و دف می باشد.
گور اوغلی خوانی: از سبک های قدیم موسیقی ترکمنی و شامل حوزه موسیقی تخاری می باشد که در بین موسپیدان، هواخواهان و شنوندگان زیاد دارد. افسانه گویان داستان های گور اوغلی را در نظم با دمبوره و آواز در مقام های مختلف اجرا می نمایند که ۳۶ شاخه آن را تا امروز موسپیدان از بر دارند و به زبان های دری و ترکمنی خوانده می شود.

مختصری از افسانه های گوراوغلی

ماه هلال که خواهر احمد خان پادشاه ترکستان است کنار دروازه قصر نشسته است. از عالم غیب بر او نظر می افتد و این باعث می شود که ماه هلال حامله شود. ماه هلال از شرم و ترس برادران مرگش را از خداوند (ج) می خواهد. پسر ماه هلال گوراوغلی در داخل قبرتولد می شود و به امر خداوند هر روز یک اسپ مادیان به ۲۵ او شیر می دهد. احمد خان پادشاه می شود و برای سیر به صحرا می رود. در آن جا یک اسپ بسیار ضعیف و لاغر را دیده تعجب می کند. وقتی پادشاه و عساکرش اسپ را تعقیب می کنند متوجه می شوند که اسپ به یک طفل شیر می دهد. احمد خان متوجه می شود که این طفل خواهرزاده اش است و تصمیم می گیرد او را نزد خود نگه داری و پرورش نماید.

پادشاه به خدمتگاران هدایت می دهد تا برای فراگیری و یاد گرفتن زبان، گور اوغلی را به بازار ببرند. در بازار گوراوغلی یک دمبوره می بیند و با دمبوره شروع به خواندن می کند. همه از استعداد او انگشت حیرت به دهان می گیرند. او کودکی ذکی است بنابراین پادشاه او را الی سن هفت سالگی به مکتب می فرستد. بعد از آن، احمد خان سلطنت را به گوراوغلی می سپارد و خودش

زیر و بم

راهی شکار می‌شود.

در عین زمان، ریحان، پهلوانی از سیستان که عاشق خانم احمد خان است، تصمیم می‌گیرد که او را ببیند. ریحان یک اسپ خیلی زیبا دارد. گور اوغلی اسپ را می‌پسندد و می‌خواهد آن را به دست بیاورد. ریحان اسپش را به او نمی‌دهد اما اجازه می‌دهد که گور اوغلی از اسپ او یک کره بگیرد. بعد از آمیزش اسپ مادیان گور اوغلی و اسپ ریحان، پهلوان خواستار چلم و تنباکو می‌شود. خانم احمد خان تنباکو را آماده می‌کند و به او می‌برد. با استفاده از این فرصت، ریحان دست او را کشیده او را با خود روی اسپ می‌نشانند و به سیستان می‌برد.

کره اسپ گور اوغلی به زودی تبدیل به یک اسپ زیبا می‌شود. او خیلی اسپش را دوست می‌داشت. یک روز، اسپش گم می‌شود و گور اوغلی از قصر بیرون می‌شود تا آن را بیابد. بلاخره، وقتی به یک کوه می‌رسد، مرد پیری را می‌بیند که برایش می‌گوید اسپش را نزد چهل پیر برای مواظبت گذاشته است. پیران کمر گور اوغلی را می‌بندند و اسپش را برایش می‌دهند تا او به ترکستان برگردد. آن جا گور اوغلی به احمد خان قول می‌دهد که خانمش را از نزد ریحان برگرداند. وقتی قهرمان داستان ما به سیستان می‌رود متوجه می‌شود که خانم احمد خان مدت ها قبل با ریحان ازدواج کرده است و یک دختر دارد. گور اوغلی با دختر ریحان عروسی می‌کند و آن ها هر دو به ترکستان می‌روند.

یک شب آغئه نوس، که یک پری مقیم در کوه قاف است، تصمیم می‌گیرد پروازی به دور جهان داشته باشد. تخت آغئه نوس را حشام حمل می‌کند. او به حشام امر می‌کند که او را به زمین ببرد و در آن جا گور اوغلی را می‌بیند. آغئه نوس با دیدن گور اوغلی عاشقش می‌شود، او را بی هوش می‌کند و با او می‌خوابد. بعد از آن به کوه

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

قاف بر می گردد. بعد از گذشت زمانی، او متوجه می شود که حامله است و برای اینکه پری ها آزارش ندهند، آغۀ نوس کودکش، هوس خان، را به زمین می آورد و نزد خانواده یک قصاب در شهر یاغستان می گذارد. زیبایی هوس خان شهره همه شهرها می شود. پادشاه یاغستان تصمیم می گیرد تا او را نزد خود بیاورد و او را در مهارت ها و علوم مختلف تعلیم دهد. بعد از چند سال، آوازه حسن، قوت و شجاعت هوس خان به گوش احمد خان می رسد.

گوراوغلی برای این که هوس خان را به قصر احمد خان بیاورد لباس یک تاجر را می پوشد و به یاغستان سفر می کند. بعد از اینکه هوس خان اسپ گوراوغلی را می بیند، می خواهد آن را بخرد. آنها با هم نزد پادشاه یاغستان می روند. گوراوغلی از فروختن اسپش اجتناب می ورزد و می گوید که بهتر این است که هوس خان را مثل برده خریداری کند. پادشاه یاغستان می گوید که به ۲۷ هیچ وجه حاضر به فروختن هوس خان نیست. گوراوغلی هوس خان را دزدیده با خود به ترکستان می برد و در آنجا به افتخارش یک جشن بزرگ برگزار می کند. در این وقت، آغۀ نوس به یاغستان می آید تا از پسرش دیدار کند اما در می یابد که هوس خان توسط گوراوغلی دزدیده شده است. او به جشن گوراوغلی می رود و پسرش را با خود به کوه قاف می برد. وقتی هوس خان از خواب بر می خیزد خود را میان پری ها و دور از گوراوغلی می بیند. او چون احساس تنهایی می کند چیزی نمی خورد و از بودن در کوه قاف لذت نمی برد تا این که ضعیف و مریض می شود. آغۀ نوس و حشام از بابت سلامتی هوس خان به تشویش می شوند و حشام او را به ترکستان بر می گرداند.

در راه حشام به هوس خان یک تار مویش را می دهد

زیر و بم

تا او، در صورت برخوردن به مشکل و یا زمانی که که می‌خواهد به کوه قاف برگردد، آن را بسوزاند. بعد از برگشت به ترکستان، هوس خان به گوراوغلی می‌گوید که او پدرش است. احمد خان می‌گوید که او خلاف بودن هوس خان در قصر است بنابراین هوس خان و گوراوغلی تصمیم می‌گیرند که به کوه قاف بروند. حشام هر دو را آنجا می‌رساند و هوس خان با آغئه نوس صحبت می‌کند. آنها همه به ترکستان برمی‌گردند. وقتی احمد خان آغئه نوس را می‌بیند، فرار می‌کند و تخت سلطنت را به گوراوغلی می‌سپارد.

نونهال، دختر عشقر، عاشق هوس خان می‌شود. در عین حال، عشقر، والی زنگبار، آغئه نوس را به خواب می‌بیند و به رویین تن می‌گوید که اگر آغئه نوس را به دربارش بیاورد دخترش را به عقد او در می‌آورد. رویین تن در راه گل ارغوان، یکی از دختران دهاتی را می‌بیند و او را عوض آغئه نوس به عشقر می‌برد. نونهال متوجه دروغ ۲۸ رویین تن می‌شود و ازدواج آنها صورت نمی‌گیرد. هر دو، عشقر و رویین تن عصبانی می‌شوند یک تاجر با شکایت به دربار ترکستان می‌آید. دختر او ربوده شده است. هوس خان تصمیم می‌گیرد به زنگبار برود تا دختر او را یافته برگرداند. در راه هوس خان با گلچهره، دختر یک تاجر طلا آشنا می‌شود. گلچهره سالها منتظر دیدار هوس خان بوده و می‌خواهد با او به ترکستان برود. هوس خان قول می‌دهد که بعد از یافتن دختر تاجر گلچهره را با خود به ترکستان ببرد.

در عین زمان، عشقر جشنی برپا کرده است تا مردان جوان در بزکشی سهم بگیرند. و وعده می‌دهد که برنده بازی با دخترش، نونهال، عروسی خواهد کرد. هوس خان خود مانند یک مرشد پیر و فقیر لباس پوشیده به زنگبار می‌رود. در آنجا نونهال با مردان زیادی مسابقه

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

بزکشی می‌دهد. او به مسابقه می‌پیوندد و نو نهال را شکست می‌دهد. بعد از آن نقاب خود را دور می‌کند و نو نهال خوشحال می‌شود. عشقر، پدر نو نهال، از شکست خوردن دخترش عصبانی می‌شود و می‌خواهد او را به قتل برساند، اما نو نهال دین هوس خان را می‌پذیرد و هر دو به ترکستان می‌روند تا با هم زندگی کنند.

گور اوغلی از هوس خان می‌خواهد که ایلجه، شاهدخت غلغله، را به قصرش بیاورد. در راه، گل میرزا، یک راهزن با چهل تن از همراهانش به هوس خان حمله می‌کنند. هوس خان همه آنها را به جز گل میرزا به قتل می‌رساند. گل میرزا بسیار قوی و شجاع است بنابراین هوس خان او را دست بسته به قصر می‌رساند تا در صورت ضرورت خدمت دربار را کند.

هوس خان خود را به صورت مردی پیر می‌پوشاند و به سلطنت غلغله می‌رود. وقتی به قصر می‌رسد با آواز خواندن توجه شاه را به خود جلب می‌کند. شاه ۲۹ نوشیده و مست است و از هوس خان دعوت می‌کند به داخل قصرش بیاید. تا چهل روز هوس خان برای شاه آواز می‌خواند و شاه از آن لذت می‌برد. تا اینکه، روزی، یکی از منجمین دربار شاه، هوس خان را می‌شناسد و به پادشاه می‌گوید که این کسی که برایت آواز می‌خواند هوس خان است که برای ربودن دخترت به اینجا آمده است. پادشاه خشمگین می‌شود و هوس خان را به زندان می‌افکند. یک روز وقتی هوس خان در زندان آواز می‌خواند، صدایش به دختر پادشاه غلغله می‌رسد. شاهدخت از آواز او لذت می‌برد و بعد از پی بردن به هویتش به کمکش می‌شتابد و او را از زندان فرار می‌دهد. هوس خان و شاهدخت با هم شهر غلغله را ترک می‌کنند و به سوی ترکستان می‌تازند.

پادشاه سیستان، شهباز خان، برای شکار از شهر خود

زیر و بم

بیرون می‌شود و در راه متوجه هوس خان می‌شود که با ایلجه از غلغله فرار می‌کنند. او عساکر خود را می‌فرستد تا مانع هوس خان شوند. آنها مدت سه شبانه روز با هم می‌جنگند تا عساکر موفق به گرفتن دختر از نزد هوس خان می‌شوند. در جریان این جنگ هزاران نفر از مملکت سیستان به قتل می‌رسد. مردم نزد پادشاه شان و گوراوغلی می‌روند و از آنها می‌خواهند که جنگ را به پایان برسانند. شهباز خان تسلیم می‌شود و هوس خان با ایلجه از شهر بیرون می‌شود. گوراوغلی و آغه‌انوس با آمدن هوس خان جشن بزرگی بر پا می‌کنند و شجاعت او را تقدیر می‌کنند. آنها چندین کشور را به این جشن دعوت می‌کنند. بعد از این پیروزی و جشن، هوس خان برای شکار با دوستانش ترکستان را ترک می‌کند.

۳۰ یک خبررسان به قصر گوراوغلی می‌رسد و از او می‌خواهد که هوس خان را برای جنگیدن با شیری که در بندر یمن پیدا شده است بفرستد. این شیر تعداد زیادی از حیوانات و انسانها را به قتل رسانده است. هوس خان در شکارگاه است و تمام پهلوانان دیگر از رفتن به مبارزه علیه شیرخود داری می‌کنند. پسر هفت ساله هوس خان، نورعلی، از پدر کلانش اجازه می‌خواهد که به او اجازه رفتن به جنگ با شیر را بدهد. گوراوغلی به او می‌خندد و می‌گوید او خیلی خوردسن است و توانایی این کار را ندارد. نورعلی سرخورده می‌شود و تصمیم به خودکشی می‌گیرد. مادرش، شیر ماهی، او را از خودکشی باز می‌دارد و کنار خود نگه می‌دارد. نیمه شب، نورعلی از ترکستان فرار می‌کند و با خود عهد می‌بندد که تا شیر را نکشته است به ترکستان برنگردد.

نورعلی در جستجوی شیر چهل روز و چهل شب سفر می‌کند. از هر کسی که خواستار کمک می‌شود، او را به باد نیشخند می‌گیرند و او را از رفتن به دنبال شیر منع

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

می‌کنند. نورعلی مغرور تر از این است که دست خالی به خانه برگردد، به بندر شهر یمن می‌رسد و شیر بزرگی را در برابر خویش می‌بیند. دل نورعلی از ترس می‌لرزد اما او بعد از دعا کردن با شیر مبارزه می‌کند و او را شکست داده پوستش را با خود می‌گیرد.

نورعلی در یمن یک قهرمان شناخته شده می‌شود. مردم از شجاعت و قوت او تعجب می‌کنند. پادشاه به دیدارش می‌آید و او را در قصر خود جای داده با خود عهد می‌کند که تا زمان رسیدن هوس خان برای بردنش، او را با چهار صد خدمتگار نگهدارد. نورعلی، با چهار صد خدمتگار، در شان و شوکت به سر می‌برد و زندگی شاهانه ای را می‌گذراند. این در حالیست که مادرش، شیر ماهی، خیلی دلتنگ او شده و پیهم می‌گرید.

شیر ماهی، مادر نورعلی، نزد هوس خان التماس می‌کند که فرزندش را به خانه برگرداند. هوس خان در شهر های مختلف پسرش را جستجو می‌کند اما هیچ کس ۳۱ از او نشانه ای ندارد. بعد از مدتی، هوس خان تصمیم می‌گیرد با تغییر صورت و لباس به شهر یمن برود. او بسیار گرسنه و تشنه است بنابراین به قصر پادشاه می‌رود و شروع به آوازخواندن می‌کند. پادشاه مست است و از خدمتکارانش می‌خواهد که به هوس خان مقداری طلا بدهند، اما هوس خان می‌گوید که او می‌خواهد پوست شیر را به دست بیاورد.

پادشاه یمن هوس خان را به شکارگاه نورعلی و دوستانش می‌فرستد. نورعلی اسپ پدرش را می‌شناسد و از عساکر می‌پرسد که آیا پدرش آمده است. عساکر به او می‌خندند و می‌گویند که یک مرد پیر و فقیر به دیدنش آمده است. بعد از غذا خوردن هوس خان در می‌یابد که نورعلی منتظر پدرش است تا با او یکجا به ترکستان برود. هوس خان نقاب خود را از چهره بر می‌دارد پدر

زیر و بم

و پسر خوشحال شده هم دیگر را به آغوش می کشند. بعد از صحبت کردن با پادشاه یمن و تجلیل از آمدن هوس خان، پدر و فرزند از یمن به سوی ترکستان روانه می شوند.

یک کاروان نزد گوراوغلی می رسد او را از آمدن نواسه اش باخبر می سازد. گوراوغلی یک لشکر بزرگ را آماده می سازد و به پذیرایی او می روند. شیر ماهی هم خود را آماده می سازد تا پسرش را ببیند اما وقتی او را می بیند، از هوش می رود. وقتی به هوش می آید خیلی خوشحال می شود و پسرش را در آغوش می گیرد.

هوس خان برای تجلیل از برگشت و پیروزی پسرش جشن مجللی برگزار می کند و جوانان چندین مملکت را برای بزکشی دعوت می کند. چهار صد جوان به بزکشی می پیوندند اما هیچ کدام قادر به بردن نمی شوند، بنابراین نورعلی خواستار اجازه برای ورود به مسابقه را می کند. بعد از مدت کوتاهی، او برنده بزکشی می شود و بز را به پدر کلان خود می آورد. پدر کلانش او را تمجید می کند. نورعلی شهرت بیشتری به دست می آورد. او چهار مملکت و تعداد زیادی از جوانان را در بزکشی شکست می دهد و یک قهرمان پرطرفدار و مشهور باقی می ماند. **شاخه های گوراوغلی:** در این مجموعه ۳۶ شاخه از داستان های گوراوغلی توسط استاد رجب جرمی اجرا گردیده است.

شاخه اول: داستان تولد گوراوغلی

شاخه دوم: به بازار بردن گوراوغلی

شاخه سوم: نشستن گوراوغلی بر تخت

شاخه چهارم: تولد شدن کره و رفتن به کوه

شاخه پنجم: رفتن آغهی نوس از کوه قاف، گشتن به

روی دنیا

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

شاخه ششم: بردن هوس خان به ترکستان توسط گوراوغلی
شاخه هفتم: بردن هوس خان به کوه قاف توسط مادرش
شاخه هشتم: بردن هوس خان از کوه قاف به ترکستان
شاخه نهم: نشستن گوراوغلی بر تخت
شاخه دهم: سکونت بای به ترکستان
شاخه یازدهم: آمدن هوس خان پشت دختر بای
شاخه دوازدهم: بزکشی هوس خان با دختر عشقر پادشاه
شاخه سیزدهم: بردن نونهای به ترکستان
شاخه چهاردهم: رفتن هوس خان به شعر غلغله
شاخه پانزدهم: رسیدن هوس خان به شهر غلغله
شاخه شانزدهم: خلاص شدن هوس خان از زندان
شاخه هفدهم: آوردن دختر پادشاه غلغله به سیستان
شاخه هژدهم: جنگ هوس خان با شهباز خان
شاخه نوزدهم: گرفتن دختر پادشاه از نزد شهباز خان
شاخه بیستم: آوردن دختر پادشاه غلغله به ترکستان
شاخه بیست و یکم: رفتن هوس خان به شکار
شاخه بیست و دوم: پیدا شدن شیر در بندر شهر یمن
شاخه بیست و سه ام: قهر کردن نورعلی از بابایش
شاخه بیست و چهارم: رفتن نورعلی به دنبال شیر
شاخه بیست و پنجم: شکار شدن شیر به دست نورعلی
شاخه بیست و ششم: بردن پوست شیر به پادشاه یمن
شاخه بیست و هفتم: ماندن نورعلی پیش پادشاه یمن
شاخه بیست و هشتم: دوری فرزند از مادر
شاخه بیست و نهم: رفتن هوس خان به پشت نورعلی
شاخه سی ام: رسیدن هوس خان به شهر جهود
شاخه سی و یکم: رفتن هوس خان به شهر یمن پشت
نورعلی
شاخه سی و دوم: رسیدن هوس خان به پیش نورعلی
شاخه سی و سوم: رفتن نورعلی و هوس خان به شهر
قیصر

زیر و بم

شاخه سی و چهارم: رفتن گوراوغلی به استقبال نواسه اش
 شاخه سی و پنجم: رسیدن نورعلی به پیش مادرش
 شاخه سی و ششم: گرفتن جشن هوس خان از برای
 نورعلی

ساز فرخار:

شاخه‌ی دیگر حوزه تخاری، ساز و سرود های فرخار است که شنونده به آسانی تفاوت آنرا با آهنگ‌های مناطق دیگر احساس می‌نماید. آهنگهای فرخاری را بیشترین هنرمندان محلی در مناطق مختلف اجرا می‌نمایند، هنرمندان شهر های بزرگ و حتی کشور های همجوار ما مثل ایران و تاجکستان هم بعضی آهنگهای فرخاری را باز خوانی کرده اند. به گونه مثال: آهنگ کمر باریک که برای بار نخست توسط میر افکن (در زمانی که رادیو کابل فقط نشرات زنده داشت) خوانده شده بود که بعداً توسط هنرمندان کشور و هنرمندان ایرانی بازخوانی گردید. آهنگ استاد در محمد کشمی بنام جنجلیک موی داری، به آواز آدینه هاشم تاجکی، فلک پران فرخاری منسوب به اکه نجم الدین فرخاری که امروز به آهنگ میرم شیوه کی شهرت یافته، و ازین قبیل نمونه ها را بی‌شمار در اختیار داریم.

آواز خوانان فرخار اشعار و رباعیات این شاعران را بیشتر از همه در قالب آهنگ‌ها می‌سرایند: گمنام، صوفی عشق‌ری، عمر خیام، سید قاسم پنجشیری، یعقوبی، میر محمد نبی واصف، میر صاحب جان، میر بهادر واصفی، سید متقی ضمنی، برات محمد سودا، میر سید ولی بارکی، قاری عبدالمجید، مخدوم ضیا، دهزاد و دیگران.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

معرفی مختصری از هنرمندان سبکهای پامیری و تخاری

خوش محمد فرخاری

استادخوش محمد فرزند بای محمد، محل تولد قریه شنگان، سال تولد (۱۹۴۶) م، برابر به (۱۳۲۵) خ، می‌باشد. وی آواز خوان و شاگرد استاد نجم الدین بوده و سبک فرخاری را با دمبوره می‌سراید.

اکه امان فرخاری

اکه امان فرزند محمد شریف، فرزند کریم بخش محل تولد قریه گذربالای فرخار سال تولد (۱۹۵۰) م، برابر به (۱۳۲۹) خ، می‌باشد. وی نوازنده‌ی غیچک بوده و با تمام سبک‌های موسیقی محل آشنایی کامل دارد، پدر و پدر بزرگش هم آواز خوان بودند.

۳۵

اکه یاسین فرخاری

اکه یاسین دفچی فرزند محمد اکبر دفچی، متولد سال (۱۹۵۷) م، برابر به (۱۳۳۶) خ، از گذر غیثی فیض آباد می‌باشد. او نواختن زیر بغلی و دف را نزد پدرش آموخته است.

غلام جان دروازی

غلام جان فرزند رحمت خدا، متولد سال (۱۹۵۹) م، برابر به (۱۳۳۸) خ، قریه اوبغن پری سعیدیان بوده و زادگاهش درواز می‌باشد. حالا در شغنان زندگی می‌کند. موسیقی را نزد پدرش آموخته و سبک هنری اش شغنانی و دروازی می‌باشد.

میری مفتون اشکاشمی

میری مفتون فرزند محمد رضا، متولد سال (۱۹۶۳) م، برابر به (۱۳۴۲) خ، او از قریه بازگیر اشکاشم می‌باشد.

زیر و بم

موسیقی را از پدر و کاکایش الف بیگ آموخته است. و آواز خوان و نوازنده دمبوره و غیچک می باشد.

سکندر اشکاشمی

سکندر فرزند غلام قادرمتو لد سال (۱۹۵۳) م، برابر به (۱۳۳۲۱۳۳۲) خ، زادگاهش گل دره اشکاشم می باشد. او نواختن نی را از پدرش که او هم نینواز بود آموخته است. سبک هنری اش پامیری می باشد.

سید مهدی شغنانی

سید مهدی فرزند سید هادی، فرزند میرزا مهدی متولد سال (۱۹۴۴) م، برابر به (۱۳۲۳) خ، قریه بهار و بازار شغنان بوده، و اجدادش قصیده سرا بودند. او نوازنده ی رباب پامیری بوده سبک موسیقی شان مذهبی و عارفانه می باشد.

۳۶ شاه نصیر اشکاشمی

شاه نصیر فرزند شاه عصمت الله فرزند رضوانشاه، متولد سال (۱۹۴۲) م، برابر به (۱۳۲۱) خ، قریه بهار و بازار ولسوالی اشکاشم می باشد. او از چند نسل بدین سو قصیده خوان بوده، و قصیده خوانی را از پدرش آموخته است.

در محمد کشمی

در محمد فرزند شاه گل متولد سال (۱۹۳۴) م، برابر به (۱۳۱۳) خ، کشم بدخشان بوده، او موسیقی را نزد کاکایش وزیر گل و پس از آن نزد فیض منگل آموخت. از سال (۱۹۵۱) م، برابر به (۱۳۳۰) خ، هنر نمایی را آغاز کرد سبک هنری اش بدخشی و فرخاری می باشد.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

قربان اشکاشمی

قربان فرزند غلام محمد فرزند خال محمد متولد سال (۱۹۷۴) م، برابر به (۱۳۵۳) خ، قریه گلدره اشکاشم می باشد. او موسیقی را از پدرش غلام محمد که آوازخوان سبک دف بزم بود، آموخته است. سبک هنری اش دف بزم پامیری می باشد.

دولت بیگ اشکاشمی

دولت بیگ فرزند سنگی محمد متولد سال (۱۹۶۶) م، برابر به (۱۳۴۵) خ، قریه خوشپاک ولسوالی اشکاشم می باشد. او دف نوازی و آواز خوانی را از قربان گلک و غلام محمد هنرمندان پیشین آموخته است. سبک هنری اش دف بزم پامیری می باشد.

عطا محمد اشکاشمی

عطا محمد فرزند غلام محمد برادر قربان دفچی متولد ۳۷ سال (۱۹۶۳) م، برابر به (۱۳۴۲) خ، قریه گلدره اشکاشم می باشد.

پدرش دف نواز و کاکایش غیچکنواز بوده و موسیقی را از پدر و کاکایش آموخته است. عطا محمد نوازنده ی غیچک، دمبوره، دف و آواز خوان بوده، سبک هنری اش دف بزم پامیری می باشد.

عبدالعزیز اشکاشمی

عبدالعزیز فرزند دولت شاه متولد سال (۱۹۷۱) م، برابر به (۱۳۵۰) خ، قریه کندکاد ولسوالی اشکاشم بوده، او غیچک، دمبوره و دف مینوازد. موسیقی را از پدرش آموخته است. سبک هنری اش دف بزم پامیری می باشد.

زیر و بم

سید اکبر قلندر فیض آبادی

سید اکبر فرزند سید برکت متولد سال (۱۹۶۲) م، برابر به (۱۳۴۱) خ، گذر سر بازار ولایت فیض آباد می باشد. او نواختن دمبوره را خود رو یاد گرفته است. سبک هنری اش فرخاری و بدخشی می باشد.

رضوان فرخار

رضوان فرزند پیوند، فرزند سبحان قل متولد سال (۱۹۶۹) م، برابر به (۱۳۴۸) خ، چشمه‌ی گرمک فرخار می باشد. او دنبوره نواز و آواز خوان بوده موسیقی را از اکه نعیم، خوش محمد فرخاری و اکه امان آموخته است. سبک هنری اش تخاری می باشد.

داود شاه «پژمان» اشکاشمی

داود شاه فرزند کرم شاه متولد سال (۱۹۸۲) م، برابر به ۳۸ (۱۳۶۱) خ، قریه غاران از نواحی اشکاشم بوده، او در رشته موسیقی فارغ دانشکده‌ی هنر ها و دو سال به ادامه‌ی آن در مکتب موسیقی بنیاد کلتوری آغا خان آموخت و اکنون آواز می خواند و قشقارچه می نوازد.

عبدالسلام اشکاشمی

عبدالسلام فرزند محمد یوسف متولد سال (۱۹۸۹) م، برابر به (۱۳۶۸) خ، قریه زرگران ولسوالی اشکاشم می باشد. او دمبوره نواز و آوازخوان است و موسیقی را از میری مفتون آموخته است.

بختی بیگم شغنانی

بختی بیگم بنت غلام جان متولد سال (۱۹۹۶) م، برابر به (۱۳۷۵) خ. او موسیقی را نزد پدرش آموخته است

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

آواز خوان و دف نواز می‌باشد.

شاه مهری «شاه پور» اشکاشمی

شاه مهری فرزند شاه سکندر متولد سال (۱۹۷۸) م ، برابر به (۱۳۵۷) خ ، قریه‌ی باشند ولسوالی اشکاشم می‌باشد.

او قصیده خوانی را از پدر و پدر کلانش شاهپور آموخته است.

صفر بیگ زیباکی

صفر بیگ فرزند مولا داد متولد سال (۱۹۷۶) م ، برابر به (۱۳۵۵) خ، قریه‌ی دند ولسوالی زیباک بدخشان می‌باشد.

دف نوازی را نزد کاکا قربان دفچی آموخته است.

۳۹

عبدالقدیر اشکاشمی

عبدالقدیر فرزند دولت محمد متولد سال (۱۹۷۹) م، برابر به (۱۳۵۸) خ، قریه‌ی کند کاد ولسوالی اشکاشم و سکونت فعلی قریه‌ی سکه‌ی کاند می‌باشد. دف نوازی را نزد کاکایش عبدالعزیز غیچک نواز آموخته است.

عبدالواصل فیض آبادی

عبدالواصل ولد محمد اکبر متولد سال (۱۹۸۵) م ، برابر به (۱۳۶۴) خ، قریه‌ی گذر غیاثی شهر فیض آباد و سکونت فعلی گذر غیاثی می‌باشد. او دف نوازی را نزد پدرش محمد اکبر دف نواز آموخته است.

نواز منگل از جر می

نواز منگل ولد فیض منگل متولد سال (۱۹۷۵) م ، برابر

زیر و بم

به (۱۳۵۴) خ ، قریه‌ی دشتک ولسوالی جرم بدخشان بوده، موسیقی را نزد پدرش که دمبوره نواز و آواز خوان بود، آموخته است .

ممتاز منگل از جرمی

ممتاز منگل ولد فیض منگل متولد سال (۱۹۷۳) م ، برابر به (۱۳۵۲) خ، قریه‌ی دشتک ولسوای جرم بدخشان بوده، تال نوازی (تاسک نوازی) را نزد پدرش آموخته است.

رحمت الله از جرمی

رحمت الله ولد فیض الله متولد سال (۱۹۶۴) م ، برابر به (۱۳۴۳) خ ، ولایت بدخشان ولسوالی جرم قریه‌ی دشتک می‌باشد. او موسیقی را نزد مرحوم فیض منگل آموخته است.

۴۰ حاجی محمد تخاری

حاجی محمد ولد عبدالرحمن متولد سال (۱۹۸۷) م ، برابر به (۱۳۸۹) خ ، شهر کهنه‌ی تخار می‌باشد. او زیر بغلی نوازی را نزد حسین بدخشی آموخته است.

عبدالله تخاری

عبدالله ولد عبداحمید متولد سال (۱۹۹۱) م، برابر به (۱۳۷۰) خ ، شهر تخار ولایت بدخشان بوده، او دمبوره نواز و از شاگردان اکه امان می‌باشد.

رجب محمد از جرمی

رجب محمد ولد جوړه بیگ ولد محمد کریم متولد سال (۱۹۲۰) م ، برابر به (۱۲۹۹) خ ، قریه‌ی نو جرم ولسوالی جرم بدخشان می‌باشد. او گوراوغلی خوانی را نزد پدرش جوړه بیگ آموخته است.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

هنرمندان حوزه‌ی موسیقی پامیری و تخاری که از آن
ها در محل سکونت شان بازدید صورت گرفت:

همراه قل

همراه قل فرزند محمد ضیا متولد سال (۱۳۲۴) خ، برابر
به (۱۹۴۵) م، قریه عرب خانیه اندخوی می‌باشد. او
دمبوره نواز و شاگرد بابہ قران بوده است.

سلام الدین

سلام الدین چاربولکی فرزند خالد محمد متولد سال
(۱۳۲۳) خ، برابر به (۱۹۴۴) م، قریه رحمت آباد
می‌باشد. او آواز خوان و زیر بغلی نواز بوده و موسیقی را
از عمر اندخویی و خدای
قل آموخته است.

۴۱

حبیب غیچکی

حبیب ولد محب الله متولد سال (۱۳۵۷) خ، برابر به
(۱۹۷۸) م، ولایت قندوز کوچیه‌ی چرم گری می‌باشد.
او غیچک نوازی را نزد استاد حکیم غیچکی فرا گرفت.
حاجی ابراهیم کامران

محمد ابراهیم فرزند غلام حسین متولد سال (۱۳۴۱)
خ، برابر به (۱۹۶۲) م، قریه دیوه گی ولسوالی بلخ
شریف‌بوده، او از جمله شاگردان استاد بهاوالدین تنبور نواز
می‌باشد.

حمید الله

حمید الله فرزند تاشنظر متولد سال (۱۳۴۸) خ، برابر
به (۱۹۶۹) م، قریه دولت آباد می‌باشد. او نواختن
دمبوره را از حاجی شراف چاربولکی آموخته است.

زیر و بم

قطب الدین

قطب الدین فرزند سلام الدین متولد سال (۱۳۶۳) خ ، برابر به (۱۹۸۴) م ، قریه چار بولک می باشد. او نواختن زیر بغلی را از پدرش فرا گرفته است.

استاد بهاوالدین تنبوری

استاد بهاوالدین فرزند غلام محی الدین سال تولد (۱۳۲۰) خ ، برابر به (۱۹۴۱) م ، قریه ده بالا ولایت کاپیسا بوده ، او موسیقی و نواختن تنبور را از استاد حضرت شاه فرا گرفته و سبک تخاری را کاملاً آشنا بوده و استادانه مینوازد.

تازه گل وخی

تازه گل فرزند بیر علی، فرزند رحمت الله متولد سال (۱۹۴۱) م، برابر به (۱۳۲۰) خ، قریه شیخوار ولسوالی ۴۲ واخان می باشد. سبک هنری اش دف بزم می باشد.

فاضل دفچی وخی

فاضل فرزند قربان متولد سال (۱۹۳۴) م، برابر به (۱۳۱۳) خ، قریه ورک ولسوالی واخان می باشد. دف نوازی را از هنرمندان پیشین واخان چون لطف الله و صفر بیگ آموخته است. سبک خواندن و نواختنش دف بزم واخی می باشد.

کاکا قربان اشکاشمی

کاکا قربان فرزند گل محمد فرزند روزه دار متولد سال (۱۹۳۹) م، برابر به (۱۳۱۸) خ، قریه سرخ دره ولسوالی اشکاشم می باشد. او آواز خوانی و نوازندگی را از محمد رضا خان پدر مهری مفتون آموخته است سبک هنری

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

اش دف بزم و موسیقی پامیری می باشد. تاریخ وفاتش (۲۰۱۰) م، برابر به (۱۳۸۹) خ، می باشد.

امام الدین اشکاشمی

امام الدین فرزند عبد الحمید، فرزند شیر زمان متولد سال (۱۹۷۲) م، برابر به (۱۳۵۱) خ، قریه اوساس اشکاشم می باشد.

او دف نواز و آواز خوان است. او موسیقی را نزد پدرش که او هم دف نواز بود آموخته است. سبک هنری او دف بزم پامیری می باشد.

محمد حسن فیض آبادی

محمد حسن فرزند علی جان متولد سال (۱۹۷۷) م، برابر به (۱۳۵۶) خ، قریه گذرافغانی دشت قرغ فیض آباد می باشد.

او نوازنده‌ی زیر بغلی بوده و نواختن این ساز را از ۴۳ برادرش محمد حسین آموخته است.

محمد حسین فیض آبادی

محمد حسین فیض آبادی فرزند علی جان متولد سال (۱۹۷۷) م، برابر به (۱۳۵۶) خ، قریه گذر افغانی دشت قرغ فیض آباد بوده، او دمبوره نواز و زیر بغلی نواز است. در نوازندگی با تمام سبک های موسیقی فرخار و بدخشان آشنایی دارد. موسیقی را با شنیدن و دیدن هنرمندان، خود رو یاد گرفته است.

سید قدیر اشکاشمی

سید قدیر فرزند سید عبیر متولد سال (۱۹۹۱) م، برابر به (۱۳۷۰) خ، قریه بهار و بازار اشکاشم بوده، او زیر بغلی نواختن را از مامایش سید مهدی قصیده خوان آموخته

زیر و بم

است.

محمد ابراهیم فرخاری

محمد ابراهیم فرزند غلام سرور متولد سال (۱۹۹۱) م،
برابره (۱۳۷۰) خ، شهر کهنه تخار می باشد. او نوازنده
زیر بغلی می باشد.

عبدالدیان کشمی

عبدالدیان فرزند بازگل بدخشی متولد سال (۱۹۵۹) م،
برابر به (۱۳۳۸) خ، قریه ی خنیک بالا کشم بوده، او
غیچک نواز و آواز خوان می باشد.

سردار محمد بلخی

سردار محمد فرزند عظیم متولد سال (۱۳۲۳) خ، برابر
به (۱۹۴۴) م، شهر کهنه بلخ بوده، او دمبوره نواز و
۴۴ یکی از شاگردان بابه قران می باشد.

میر علم

میر علم ولد فرزند شیرعلم متولد سال (۱۳۲۸) خ، برابر
به (۱۹۴۹) گذر حاجی کوت قریه کهنه ذوات بوده، او
دمبوره نواز و یکی از شاگردان با به قران می باشد.

روض الله

روض الله ولد وزیر محمد متولد سال (۱۳۲۴) خ، برابر
به (۱۹۴۵) م، ولسوالی آقچه می باشد.
او نواختن دمبوره و غیچک را نزد پدرش وزیر محمد
آموخته است. که پدرش با هنرمندان سابقه دار آقچه
چون شراب چاربولکی، کریم لنگ، لنگ مرزا، خدای
قل و شهید طلا هنر نمایی میکردند.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

هنرمندان معروفی که در قید حیات نیستند:

بابه نعیم

بابه نعیم فرزند داود شاه متولد سال (۱۲۷۸) خ، برابر به (۱۸۸۸) م، شهر فیض آباد بدخشان بوده، موسیقی را از هنرمندان روستایی بدخشان آموخت. او مدت درازی در رادیو کابل به حیث آوازخوان و نوازنده‌ی سازها چون غیچک، دمبوره و چنگ همکاری و هنر نمایی میکرد. بابه نعیم بعد از مریضی دراز مدت در سال (۱۳۶۱) خ، برابر به (۱۹۸۲) م، در کابل چشم از جهان پوشید.

باز گل بدخشی

آدینه فرزند سلیم بای مشهور به بازگل بدخشی که سال تولدش (۱۹۰۲) م، برابر به (۱۲۸۱) خ، سال وفات (۲۰۰۹) م، برابر به (۱۳۸۸) خ می‌باشد. او در زادگاهش قریه خنیک بالای کشم مدفون می‌باشد. ۴۵ از سال (۱۹۵۷) م، برابر به (۱۳۳۶) خ، به رادیو کابل آواز خوانی را آغاز نمود آهنگهایش: عاشقانه، داستان سرایی روی حکایات کهن و روایات، فلک خوانی و اجرای آهنگهای تمثیلی به شیوه‌ی چند آوایی می‌باشد. از هنرمندان پیش از خودش از حنیف فرخاری. نیک محمد برادرش گوراوغلی خوان نام برده است.

اکه نعیم فیض آبادی

اکه نعیم فرزند محمد شریف، سال تولد (۱۹۱۱) م، برابر به (۱۲۹۰) خ، سال وفات (۱۹۹۱) م، برابر به (۱۳۷۰) خ، در گذر غیائی شهر فیض آباد در زادگاهش مدفون می‌باشد. سبک هنری اش قالدخوانی و غزل خوانی بوده است.

زیر وبم

رحیم تخاری

رحیم تخاری ولد محمد علی متولد سال (۱۳۱۳) خ ، برابر (۱۹۳۴) م، زادگاهش شهر خلم (تاشقرغان) می باشد. بیشترین مدت عمرش را در کنار خانواده در ولایت تخار گذرانیده نواختن غیچک و دمبوره را از استادان آن محل چون ملا محمد اعظم خان آموخته است. سال وفاتش (۱۳۸۶) خ ، برابر به (۲۰۰۷) م ، می باشد.

بنگیچه

محمد جان فرزند بدل مشهور به بنگیچه متولد سال (۱۳۰۷) خ ، برابر به (۱۹۲۸) م، در گذر ایش محمد بیگ ناحیه اول ولسوالی خلم می باشد . پدرش که به بدل مست تاشقرغانی معروف بود از دمبوره نوازان نامدار بود .بنگیچه نواختن دمبوره ونغمات اصیل را از برادر بزرگش اکه جان آموخت و بیشتر اوقات را با دسته‌ی ۴۶ باب‌ه قران هنرنمایی می کرد. در سال (۱۳۵۹) خ ، برابر به (۱۹۸۰) م ، بدست عده‌ی از مخالفین موسیقی به شهادت رسید.

بابه قران

عبدالغفار ولد سلطان مشهور به باب‌ه قران متولد سال (۱۲۹۹) خ ، برابر به (۱۹۲۰) م، ولسوالی خلم گذر ده حسن می باشد. او موسیقی را نزد استاد حکیم تنبوری آموخته است . او از دمبوره نوازان مبتکر سبک تخاری بود که زیبا ترین نغمات را منسوب به او می دانند سال وفات او (۱۳۶۷) خ، برابر به (۱۹۸۸) م، می باشد.

محمد حکیم تنبوری

محمد حکیم تنبوری ولد محمد حلیم متولد سال ()

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

(۱۲۵۷) خ ، برابر به (۱۲۷۸)
ولسوالی خلم گذر مخدوم بیگ می باشد. او موسیقی را
نزد خلیفه حضرت شاه تنبور نواز آموخت. از شاگردان
معروف او بابہ قران دمبوره نواز و استاد بهاولدین تنبور
نواز بوده اند. سال وفاتش (۱۳۵۳) خ ، برابر به (۱۹۷۴)
م ، می باشد.

بابه نور

بابه نور متولد سال (۱۲۹۷) خ ، برابر به (۱۹۱۸) م
، ولسوالی خلم گذر مرزا شمس بوده، او غیچک نواز
و از همراهان دسته‌ی هنری بابہ قران بود. سال وفاتش
(۱۳۵۱) خ، برابر به (۱۷۷۲) م، می باشد.

نظر بلخی

نظر بلخی ولد بیگ نظر متولد سال (۱۳۹۳) خ ، برابر به
۴۷ (۱۹۱۴) م ، ولایت شهر بلخ شریف بوده،
او آواز خوان ، دمبوره نواز و از جمله‌ی شاگردان بابہ
قران می باشد. سال وفاتش (۱۳۶۷) خ ، برابر به
(۱۹۸۸) م، می شود.

فیض محمد منگل

پهلوان فیض محمد منگل ولد عبدالحمید متولد سال
(۱۳۱۴) خ ، برابر به (۱۹۳۵) ولسوالی جرم بدخشان
شاعر و آواز خوان بود که با پسرش نیاز منگل یک جا
هنر نمایی میکردند.

فیض منگل در سال (۱۳۵۸) خ ، برابر به (۱۹۷۹) م ،
بدست گروهی از مخالفین موسیقی
به شهادت رسید. روحش شاد باد.

زیر و بم

استاد نجم الدین فرخاری

استاد نجم الدین فرزند غلام بای سال تولد (۱۹۴۱) م، برابر به (۱۳۲۶) خ، سال وفات (۲۰۰۸) م، برابر به (۱۳۸۷) خ، ، قریه چشمه‌ی گرمک بوده، او شاگرد جمعه‌ی غیچک نواز بوده است و آهنگ های زیادی را منسوب به او میدانند که امروز در بین مردم معروف است و سبک هنری اش فرخاری می‌باشد .

هنرمندان پیشین به روایت بزرگسالان:

بدخشان

اکه عبدالرحمن از هنرمندان پیشین بدخشان بوده که در دربار امیر عبدالرحمن خان پادشاه افغانستان با پنج تار اوازخوانی و نوازندگی می‌کرد.

فرخار

۴۸ سرور گوراغلی که پدرش سره خان نام داشت از گوراغلی خوانان قدیمی فرخار می‌باشد که میر افکن شغنانی او را به چشم استاد می‌دید. استاد رجب پیا نیچی، گل محمد پیانیچی، حنیف فرخاری، وزیر گل کاکای درمحمد کشمی، محمد شریف پدر اکه امان غیچکنواز، کریم بخش غیچک نواز پدر بزرگ اکه امان ، عالم پنج تار نواز و جمعه غیچک نیز از هنرمندان پیشین فرخار بوده اند.

یفتل

اته رجب تنبور نواز و آته رسول زیر بغلی نواز (به روایت موسپیدان) از جمله هنرمندان پیشین بوده اند. پهلوان اصیل گور اغولی خوان از یفتل بالا و آدینه هاشم یفتلی.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

بلخ

برکت الله معروف به بمبو برکت احتمالاً متولد سال (۱۲۷۸) خ ، برابر به (۱۸۹۹) م، و قومندان بلوک باند موزیک فرقه ۱۸ ولایت بلخ بوده است. به روایت موسپیدان و هنرمندان، موسیقی را به شکل علمی در زمان حکومت امیر امان الله خان نزد استادان نظامی ترکی فرا گرفته بود . نغمه های رزمی و قطعات زیادی را به او نسبت میدهند. که به نغمه های بمبو برکت یا صوت بمبو برکت شهرت دارد. از جمله صوت چاری عرب در نزد مردم شهرت زیاد دارد. سال وفاتش احتمالاً (۱۳۵۸) خ، برابر به (۱۹۷۹) م، می باشد.

پامیر

محمد رضا دفچی پدر میری مفتون، قربان گلک اشکاشمی، میرزا مهدی قصیده خوان، غلام قادر نینواز پدر سکندر نینواز

۴۹

شغنان

از نخستین هنرمندانی بدخشان است که پیش از بازگل بدخشی یعنی در زمانیکه نشرات رادیو کابل به صورت زنده پخش می گردید، هنر نمایی میکرد. ازین هنرمند آثار زیبایی به یادگار مانده که اهنگهایش را هنرمندان تا امروز میسرایند. اهنگ معروف کمر باریک برای بار نخست توسط میر افکن در دهه ۳۰ خوشیدی (۱۹۵۰ م) به شکل زنده اجرا و پخش گردیده بود.

جرم

جوهر بیگ ولد محمد کریم متولد سال (۱۲۸۰) خ ، برابر به (۱۹۰۱) م ، ، قریه ی نوی جرم

ولسوالی جرم بدخشان می باشد. او گوراوغلی خوانی را نزد پدرش محمد کریم آموخت. سال وفاتش (۱۳۶۱) خ ، برابر به (۱۹۸۲) م ، می باشد.

واخان

تصویری از هنرمندان واخان بدخشان محمد اکبر، مغول بیگ و آدینه. احتمالا آدینه همان بازگل بدخشی می باشد.

موسیقی اصیل هرات و باغیس

موسیقی اصیل هرات و باغیس

هنگامی که در برگ های تاریخ با نام های بکتريا- باختر- بلخ- بخدی- بلهیکا- آریانا- هریو- آریا- وادگیس- بادگیس- خراسان- سیستان- تخارستان- ترکستان- زابل- سمنگان- غزنه- هنر گندهارا- مدنیت کوشانی و غیره بر می خوریم، بخش بزرگی از این تاریخ مربوط می شود به خاک افغانستان امروزی و کشورهای همجوار آن.

تاریخ و گذشته موسیقی ما به خاک امروزی افغانستان فشرده نگردیده بلکه فراتراز آن، تا دوردست ها می توان، پیوندهای مشترکی را دنبال کرد. گذشته موسیقی هندوها، ایرانیان، اعراب، ترک ها، تاجیکان و حتا یونانیان با موسیقی ما رشته ها، ریشه ها، پیوندها و همجوشی های دیرینه دارد.

نمای دختران رامشگر بامیان در سینه کوهی که پیکره های پرآوازه «خنک بت» و «سرخ بت» در آن تراشیده شده اند، گواه موسیقی پیشرفته و مردمی متمدن در روزگار پیش از اسلام در این جغرافیا است.

اسناد تاریخی و دست داشته های گران بهای ما از تاریخ ادبیات پارسی، نشان گر رسوخ و جایگاه موسیقی نه تنها در ذهن عده ای خاص که در ذهن تعدادی از نخبگان ما در عالم شعر، ادبیات، فلسفه و عرفان و جایگاه آن در این

زیر و بم

دنیای پر شور نیز چشمگیر است. باربد نوازنده بزرگ و نامدار دربار خسرو پرویز که نام سی لحن موسیقی او در «خسرو و شیرین» نظامی آمده، معروف است که سیصد و شصت آهنگ ساخته بود تا هر روز در سال آهنگی نواخته شود.

فرخی سیستانی چنگ و سرود می نواخت و محمد بربطی که بربط می نواخت، در این فن استاد فرخی بود و از ندیمان سلطان مسعود غزنوی. رودکی چنگ می نواخت. ابن سینای بلخی بخشی از کتاب شفا را در مورد علم موسیقی نوشته است. ابونصر فارابی را ایجادگر هارمونی در علم موسیقی می دانند و می گویند او نخستین کسی بود که فکر ایجاد هارمونی را در موسیقی آورده است. امیرعلیشیرنویای موسیقی دان بود و استادش خواجه یوسف برهان جامی (موسیقی شناس) بود.

اسناد و کتیبه های تاریخی شاهد موسیقی پیشرفته، به صورت علمی و فنی در دوره های گوناگون کهن تا غزنویان، تیموریان و سایر دوره ها است.

و اما هرات

هرات در دوره های مختلف تاریخ درخشان و پر و پیچ و خم این جغرافیای بزرگ زبانی، بر اساس آنچه اهل تحقیق و پژوهش در گذشته گفته اند و تا امروز نیز می گویند، همواره از شهرهای تأثیر گذار و بستری مناسب برای رشد و پرورش استعدادها به شمار می رفته و در مقاطع چشم گیری از تاریخ مانند نگینی بر تارک خراسان زمین می درخشد.

بنا به تحقیقات اکادمسین، دکتر عبدالاحمد جاوید، از هرات در دوره های مختلف تاریخ با نام های مختلفی یاد شده است که عبارتند از:

پارس باستان: هره ایوا Haraiva

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

در اوستا: هره ایوه Harovia
 در دوره اسکندر مقدونی: اسکندریه آرهایا Alexandria
 Areia
 آثار در دست داشته ای که از عهد تیموریان موجود است، نشان دهنده عصر شکوفایی و پیشرفت در عرصه های معماری، نقاشی، خطاطی، مینیاتوری، هنر کتاب سازی، موسیقی و تاریخ نگاری موسیقی بوده است. شهزادگان تیموری در کنار رفع نیازهای مادی هنرمندان هر یک را بنا بر فضیلت شان ارج می گذاشتند. اهل موسیقی نیز در این دربار از آبرویی برخوردار بودند. کتاب های ارزشمندی را که از آن دوره های تاریخ بنام های بهجت الروح اثر عبدالمومن ابن صفی الدین هروی و کتاب دیگری از مولانا بنایی هروی بنام رساله موسیقی در دست داریم، نشان دهنده این است که در آن عصر موسیقی من حیث یک پدیدهء مهم به شکل علمی و اکادمیک به پیش می رفته است. بهجت ۵۵
 الروح اثر عبدالمومن ابن صفی الدین از معدود کتاب هایی است که در مورد موسیقی در این سرزمین نوشته شده و توانسته است از دلان های هزار توی تاریخ بگذرد تا امروز به دست ما برسد.

در بهجت الروح از دوازده مقام موسیقی پیشین ما چنین تذکر رفته است: راست، حسینی، عراق، سپاهان، زنگوله، عشاق، نوادان، احجاز، بوسلیک، رهاوی، زیرخورد و زیر بزرگ.

هفت پرده ءموسیقی در پارسی قدیم به این نام ها یاد می گردید: پرده، رو پرده، میانی، زیرنمایان، نمایان، رونمایان، محسوس، هنگام

C B A G F E D C

سا ر گه ما په ده نی سا

در کشور ما همان گونه که از یک قریه تا قریه دیگر

زیر و بم

تفاوت های زبان، لهجه و عنعنات مشاهده می شود، موسیقی نیز با انواع گوناگون و سبک های متفاوت وجود دارد. موسیقی فولکلور و اصیل به ویژه در نقاط دور افتاده کشور ما، نشانه های شکسته و درهم ریخته همان موسیقی، مقام های قدیم و گوشه های آن است که از سالیان دراز بدین سو به شکل بومی، سینه به سینه از نسلی به نسلی انتقال یافته و آهسته آهسته می رود تا به باد فراموشی سپرده شود.

فرم هایی که در موسیقی محلی هرات - بادغیس و دیگر نقاط افغانستان وجود دارد همه نشانه هایی از موسیقی مقام های پیشین خراسانی است. ولی امروز در موسیقی شهری هرات، تقسیمات پرده ها را بر بنیاد هفت پرده پوره و پنج پرده نیمه، در یک اکتاو بکار می برند که حذف و عدم اجرای ربع پرده ها، هویت آهنگ هایی را که در مایه موسیقی مقام اجرا می گردید کاملاً از بین برده است ۵۶ به گونه مثال، آهنگ هایی که در مایه مقام شور خراسانی اجرا می گردید به بهروی مبدل شده است. با آن هم نغمه ها و آهنگ های اصیل و فلکلور هراتی، متفاوت از نمونه های داخلی و همسایگان هم مرز با خود است که ظرافت های خاص خود را در فرم و شیوه اجرا دارا است. در مقایسه بین موسیقی امروز شهری و روستایی هرات این تفاوت ها مشاهده می شود: در شهر آهنگ ها و نغمه ها در مایه بهروی و روستایی آن در مایه شور، در شهر بهرو، در روستا چهار گاه، در شهر بلاول، در روستا با حال و هوای مقام راست اجرا می گردد. تلنگ هراتی نیز یکی از ردیف هایی است که در رفت و برگشت با تلنگ هندی تفاوت دارد و بر اساس فرم آهنگ ها و نغمه های موجود در هرات، این تلنگ به گونه کاملاً متفاوت و منحصر به سبک هرات اجرا می گردد که نزدیک به ماهور است. افراد مسلکی موسیقی، این نکات را در

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

مقایسه بین دو تلنگ یعنی هراتی و هندی می توانند به وضوح مشاهده کنند.

بادغیس که از سال ۱۳۳۴ خورشیدی بدین سو یک ولایت مستقل است، موسیقی این حوزه از اصالت خاص برخوردار بوده، آهنگها و نغمه هایشان برمایه های موسیقی مقامی اجرا می گردد. مخصوصا چهاربیتی های بادغیسی که با آواز و غیچک اجرا می گردد، از آغاز تا انجام، فرود و فراز، تندی و آهستگی و اوج در آهنگ ها، نمونه های خوبی از وجود فرم های خاص در موسیقی بادغیس است. پایکوبی ها که با همراهی دایره و غیچک یا دهل و سرنا به گونه اتن و رقص های دسته جمعی و چوب بازی و گاهی با کشتی گیری اجرا می گردد، نمونه های خوبی از داشته های ارزشمند هنر قدیم این مرز و بوم است.

۵۷ آلات موسیقی اصیل در هرات و بادغیس

دایره یا دف: این ساز در سراسر افغانستان به شکل بومی آن ساخته و استفاده می شود که در هرات و بادغیس نیز به همان گونه است. در هرات امروزی دایره نوازی از رواج افتاده است. نوازندگان این ساز را دایره گی یا دایره چی می نامند. از دایره چی های قدیمی می توان از حیدر، محمود، صفدر، نوربای، صوفی رسول پلنگ، بابا حیدر دایره گی، تاج محمد دایره گی، غلام نبی دایره چی، بابو جلال، غلام نبی زنده دل، صفدر، دوست محمد غیزان، استا کریم سیل و کسان دیگر نام برد.

غیچک:

این ساز از نظر شکل و ساختمان مانند غیچک های معمول در افغانستان است ولی در اسلوب و روش نواختن هیچ شباهتی به نوازندگی غیچک با سایر نقاط افغانستان

زیر و بم

ندارد. از جمله نوازندگان قدیمی این ساز می توانیم از آذر محمد غیچک نواز نام برد. نغمه های غیچک را در بادغیس امروزی این گونه نام می برند: نغمه رقصان، صوت امین، صوت اسحاق، صوت نورا و غیره.

دهل و سرنا:

موسیقی دهل و سرنا را در هرات و بادغیس ساز می نامند که در مواردی در عروسی ها و جشن های مردمی و ملی وجود این دو ساز حتمی است. ساختمان دهل بادغیسی از دهل مروج دیگر نقاط افغانستان متفاوت است و به نام دهل خراسانی یاد می گردد. قطر چنبر آن کوتاه بوده، آن را از چوب توت یا چنار می-سازند، سمت راست آن پوست بز و سمت چپ دهل پوست بزغاله است که با نخ به همدیگر بسته می شود. برای نواختن دهل از سیاه چوب که مستحکم است، استفاده می گردد.

۵۸

سرنای بادغیسی:

این ساز از چهار قسمت ساخته شده است: ته چوبی، خزینه که از چوب جوز است، میله برنزی که زبانچه به آن وصل است، زبانچه که از نی ساخته شده است. این سرنا شش پرده در جلو و یک سوراخ در عقب دارد و در هرات و بادغیس ساخته می شود. نغمه های معروفی که از قدیم تا امروز با سرنا و دهل نواخته می شود عبارت است از نغمه راه جنگ، که بسیار قدیمی است و در جلو سپاهیان نظامی نواخته می-شد، نغمه های چوب بازی، اتن بادغیسی، ساز الله در مسابقات کشتی گیری، نغمه خانم بازی در مراسم عروسی، اتن اوشاری، نغمه تعلیم قدم و غیره.

نغمه های سرنا را در بادغیس به اسم هنرمندان پیشین مسمی و نامگذاری نموده اند مثل صوت یا هنگام حیدر

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

که نغمه کشتی گیری است، هنگام اوشاری که صوت حفیظ الله است، هنگام تعلیم قدم صوت حاجی محمد، هنگام کردی صوت حیدر بای، صوت ملا عمر، بازمحمد و حاجی شاه سوار.

اهل موسیقی در این محدوده جغرافیایی واژه صوت و هنگام را به یک معنی استفاده می نمایند.

سیل میدانی:

جشن هایی که در قدیم به مناسبت های خاص برگزار می گردید، در این جشنها دهل و سرنا نواخته می شد، نوازندگان معروف دهل و سرنا غلام، استا کریم، رحیم، قربان خفه، غورک، استا از ده نو ده تپه، استا رضا، استا رمضان، استا سخی داد، نعمت سرناچی از بادغیس، حفیظ الله، امیر بای، اسماعیل، منصور بای و دیگران بوده اند.

۵۹

دوتار:

ساز قدیمی هرات باستان و نواحی اطراف آن است که تا پنج دهه گذشته دارای دو تار و هشت پرده بوده است که تا هنوز هم در نقاط دور دست هرات به همان گونه وجود دارد و به گونه دو سره یی یا به هم ریزی نواخته می شود. این نوع آن امروز رواج ندارد و ساز ضربی همراه با دوتار فقط تمبک یا زیر بغلی بوده. نوازندگان فولکلور تقسیمات و نام گذاری پرده ها را به شمار اعداد شناسایی می کردند: ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷- دو- ری- می- فا- سول- لا- سی. دوتار امروزی دارای چهارده سیم است که با زخمه یا ناخونک نواخته می شود که شباهت بسیار زیادی به طنبور دارد و اصالت دوتار پیشین را به دلایل گوناگون در خود ندارد. دوتار نوازان قدیمی بادغیس و هرات عبارت بودند از حیدر پینه، امین دیوانه، خالق سوز، رضا اونم، ماما حیدر، عزت جان، رحیم گریه،

زیر و بم

سید گل دوتاری که آواز خوان و دوتار نواز بود، عبدل شاعر بدیبه سرا، آواز خوان و دوتار نواز، شاه محمد دوتاری و آواز خوان، غوثی دوتاری و آواز خوان، قربان دوتاری و آوازخوان، غلام محمد برناباد دوتاری و آواز خوان، آسیا بان دو تاری، غلام غوث دوتار نواز در حلقه صوفیان، گل محمد دوتارنواز، کریم هروی، بابه اختر غزنوی، صوفی طاهر قندهاری سرور گادیوان، نبی دیوانه میجر از ادرسکن، دستگیر سرود (زنده است و نابینا شده است)، سید گل کل دوتاری و آواز خوان، عمر سرخابی دوتار نواز، شاه سوار دوتاری از قوم دای زنگی ولسوالی آب کمری، باز محمد دوتاری از قوم کندالان ولایت بادغیس، عبدالباقی قصاب معروف به ماما (دوتار نوازی بود که استاد کریم هروی از جمله شاگردان او بود که شصت سال قبل وفات نموده است)، گل محمد دو تار نواز، آسیابان دو تاری و دیگران.

۶۰

نغمه های معروف دوتار در بادغیس و هرات:

پرش جل، غره پلنگ، راهرو شتر، اولنگ اولنگ، اوشاری، غمزگی، چهار توک های هراتی، یامولا، سیاه موی و جلالی، سه چکه گی و غیره.

شش تار

امروز شش تار و نوازنده آن در هرات موجود نیست ولی به روایت موسپیدان در بدخشان و هرات از نوازندگان این ساز نامبرده شده است که با شش تار مقام های خراسانی و بخارایی را می نواختند. مانند حیدر خوشخوان از هرات معروف به حیدر پینه، و رحمت خدا از درواز بدخشان از شش تارنوازان بوده اند.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

چهار تار

از جمله سازهایی است که سالیان قبل در هرات استفاده می شد ولی به دلیل این که تقسیمات پرده های چهار تار با پرده های آرمونیه همخوانی نداشت، با گسترش و رواج آرمونیه استفاده چهار تار کمرنگ گردید. چهار تار نوازان قدیم هرات محمد رضا تکره، عبد الرحمن شادیجام، غلام محی الدین و نورالرحمن بوده اند. امروز فقط یک نوازنده این ساز را به اسم استاد نثار با خود داریم.

نی:

این ساز از چوب نی هفت بند ساخته می شود و طوری آن را می برند که از سر تا ته آن شامل هفت بند شود. و دارای ۵ سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت است. نی را با جادادن بین دو دندان جلو و گرد کردن زبان در پایین و پشت آن می نوازند، نی کوک ندارد و برای ۶۱ کوک های مختلف، نی های متفاوت ساخته می شود. امروز در افغانستان این نی از رواج افتاده و از نوازندگان پیشین این ساز می توان از عبدالرشید پلنگ از روستای شکییان هرات، غلام رسول نینواز و محمد صدیق مشهور به صدیق نابینا نام برد. فعلاً در هرات یک هنرمند به اسم خواجه ابراهیم نوازنده این ساز است که در حلقه صوفیان خانقاه در هرات نوازندگی می کند.

۸- تمبک یا تمبک (زیر بغلی):

از جمله سازهای ضربی و دهل کوچکی است که در زیر بغل گرفته و نواخته می شود که از گل پخته ساخته می شود و در بیشترین نقاط افغانستان به استثنای موسیقی پشتو، مروج است که در موسیقی محلی سر یا کوک معین ندارد. از تمبک نوازان قدیمی می توان از سرور

زیر و بم

گادیوان (دوتار هم می نواخته)، امین بچه متاری، حسن بچه متاری، ظاهر آهنگر، غلام صدیق بلبل، رسول پلنگ از شکیبان، سرور کراچی وان، سخی بچه علی. آغا حسین که نیکه محمود خوشنواز و تمبک نواز ماهری بوده است، نام برد. پدر آغا حسین نیز تمبک نواز بود که در مورد او می گویند شاگرد نانوا بوده که در جریان کار، یک ذواله خمیر را شکل می داد و در آن لحظه کوتاهی که کلچه خمیر بعدی به دستش می رسید تمبک می نواخته است.

تال :

دو پارچه برنزی که در تماس با یکدیگر نواخته می شود و قیراق نیز به همین گونه نواخته می شود اما متشکل از دو پارچه سنگ است. تال در بدخشان و شمال افغانستان هم مروج است. یکی از نوازنده های این ساز در هرات صوفی اسد است که شغل زیور فروشی دارد، او نوازنده ۶۲ قیراق و تال است که قبلا در حلقه ذکر صوفیان می نواخت.

طنبور نوازان قدیم در هرات:

امیر جان عکاس، ضیا جان ترافیک، خواجه انور از قریه چگونه گر ولسوالی انجیل، معلم قیوم جان.

۱۱- رباب نوازان:

بابو نظری، حبیب الله پسر فیض الله، اکبری، امیر داغی، استاد رحیم خوشنواز، غلام محمد عطایی و دیگران.

طبله نوازان:

غلام و محمد نعیم، کاکاهای محمود خوشنواز، محمد عثمان، واحد و زاهد از طبله نوازان قدیمی هرات بودند.

سبک های موسیقی در هرات

موسیقی طنز:

در این سبک هنرمندان بدیهه سرا، ظریفانه مسایل گوناگون اجتماعی و سیاسی زمان خود را به نقد می گیرند و همچنان با ایجاد و آفرینش سوژه های خنده آور به سرگرمی مردم می-پردازند که در هرات پیشینه تاریخی دارد. به روایت مردم، از هنرمندان قدیمی طنزخوان بادغیس و هرات آذر محمد از غیچک نوازان مقرر بود که با دسته ۱۵ نفری به اجرای آهنگ های طنز گونه هنرنمایی می کردند. در هرات هم از هنرمندان نامدار سبک طنز خوانی بابو جلال، غلام نبی زنده دل، صدیق بلبل، قاسم مسرور و غیره را می توان نام برد.

نوحه سرایی:

اجرای سوگسرودهایی که مداحان در مراسم مذهبی به ۶۳ ویژه دهه عاشورا و چهل و هشتم ماه صفر در تکیه خانه ها به گونه نوحه سرایی اجرا می نمایند که روضه خوانی هم یاد می گردد. نوحه-سرایان قدیمی هرات حاجی غلام محمد، خلیفه عطاء رنگمال، سید صادق آغا سعید بچه تبر، غلام رسول مداح و فیض محمد توکل که همه وفات نموده اند اما نوحه سرایی تا امروز در مراسم مذهبی اجرا می گردد که امروزه آن را بخشی از موسیقی نمی شمارند.

ساز زنانه:

بانوان آواز وان و نوازندگان بودند که فقط در محافل زنانه به اجرای موسیقی می پرداختند. از هنرمندان قدیمی حوا نوازنده دایره و آواز خوان بوده است که سی سال قبل وفات نموده و با دخترش زینب آواز می خواند. عزیزه، رخشانه، ماهگل، ماه پری، زلی، سلطانه وردک و

زیر و بم

دیگران نیز می توان نام برد.

۱- چهار توک

نغمه های تثبیت شده ای است که به گونه پیش در آمد مقام با رباب و دوتار نواخته می شود و دارای چهار بخش است:

۱- آستایی یا آغاز، که در ضرب بلمپت یا کشال نواخته می شود.

۲- بخش انتره که قطعه را به سمت اوج می برد.

۳- بخش سوم را بهوک گویند که اوج در قطعه بیشتر می گردد و گاهی هنرمندان نظر به توانایی شان به بدیهه نوازی می پردازند.

۴- سنچایی: اوج کامل و انجام قطعه است که سرعت ضرب سریع تر می گردد.

در اجرای چهار توک ها هنرمندان نظر به مهارت شان، در هر چهار بخش به بدیهه نوازی می پردازند.

۶۴ بر علاوه چهار توک های محلی استاد محمد عمر با الهام از مایه های موسیقی فولکلور قطعات تازه ای را آفرید که امروز در متود درسی موسیقی از آن ها استفاده می گردد.

آهنگ ها و نغمه های فراموش شده:

قطعه معروف نوروز صبا

سوک سرود گلزاده

آهنگ گل لاله لاله

یار چهار یار: آهنگی بود که با خواندن رباعیات اجرا و در ختم هر رباعی یار چهار یار گفته می شد. این آهنگ در جلو عروس و داماد در مراسم عروسی از سوی دوستان و مهمانان خوانده می شد.

آهنگ غلام الدین و نازک: داستان عاشق و معشوقی که یکی از سیاووشان هرات و دیگری از بادغیس بودند و مثل سیاه مو و جلالی داستان عشق شان ورد زبان مردم

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

گردیده بود.

اسد الله جان: سوار کار و مرد شجاعی بود که این آهنگ بعد از مرگ او، در سوگش خوانده شده بود. بعداً مادران آن را بگونه لالایی برای کودکان شان می خواندند:

کو تخت تو؟ کو بخت تو؟ اسد الله جان

کور شه مادر بد بخت تو اسد الله جان

اسپ سیاه کاکلی اسد الله جان

سوار شده رضا قلی اسد الله جان

دادو جان: آهنگی بوده که در وصف قهرمانی به اسم دادو خان در بین مردم شهرت داشت:

دادو نبود، شیری بود

به شانه پنچ تیری بود

سردادو به نیزه

خون دادو میریزه

استاد علی: از استادان ماهر موسیقی و آواز خوان بود ۶۵ و هر بار که علاقه‌مندان برای شنیدن آوازش می رفتند چنان آهنگ های استاد بر شنوندگانش اثر می گذاشت که بعضی ها به وجد می آمدند و بیشترین شنوندگان گریه سر می دادند و هرچه در جیب داشتند برای استاد علی به گونه نذرانه پیشکش می نمودند. یکی از آهنگ هایش در بین مردم با این مطلع تا امروز شهرت دارد: حاضر باش بیدار باش، پیره دار خبر دار. چنان چه موسپیدان هرات در این رابطه تکیه کلامی را استفاده می نمودند: «اگر میخواهی مفلس شوی، نزد استاد علی برو». (نقل

قول از استاد کریم هروی و استاد قدوس توکل)

نمونه ای از ترانه های روستایی هرات و بادغیس

دست بزن (ترانه بادغیسی برای مراسم عروسی)

دست بزن بالا بالا دست بزن

بالای بام مهمانا بالا دست بزن

زیر و بم

شاه داماد رنگه شاه داماد ما
سیب هفت رنگه شاه داماد ما
شاه داماد میره با چنگ سرا
سفارش می کرد رختاره بیار

ترانه طنز آمیز:

مرغک

همو مرغک را ندیدی؟

کدام مرغک؟

همو مرغک چنگ سرخ، بال کوتاه، سینه پلنگی، به بام
باغچه رضائی، سردالان پریدی، باغ زاغان چریدی.

بریم به سیل مرغک

همو شغال ندیدی؟

کدام شغال؟

همو شغالی که مرغکه برده بود.

کدام مرغک؟ ۶۶

همو مرغک چنگ سرخ، بال کوتاه، سینه پلنگی، به بام
باغچه رضائی، سردالان پریدی، باغ زاغان چریدی.

بریم به سیل مرغک

همو سگک را ندیدی؟

کدام سگک؟

همو سگک که شغاله روفته بود

کدام شغال؟

همو شغالی که مرغکه برده بود

کدام مرغک؟

همو مرغک چنگ سرخ، بال کوتاه سینه پلنگی، به بام
باغچه رضائی، سردالان پریدی، باغ زاغان چریدی

ترانه رمضان

رمضان یارب یارب رمضان

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

السلام علیک ماه رمضان
رمضان سی روز مهمان مانه
رمضان قوت ایمان مانه
رمضان یارب یارب رمضان
السلام علیک ماه رمضان
رمضان گفتیم تا مانده شدیم
زیر سابات شما پوده شدیم
رمضان یارب یارب رمضان
السلام علیک ماه رمضان
الا خاله تو گم گم می کنی
طبق های چینی گندم میکنی
رمضان یارب یارب رمضان
السلام علیک ماه رمضان
این سرا از کیست رازینه داره
زیر رازینه خزینه داره
رمضان یارب یارب رمضان
السلام علیک ماه رمضان

۶۷

هنرمندان هراتی و بادغیسی

نثار احمد عطایی

استاد نثار احمد عطایی فرزند نظر محمد فرزند عطا محمد، محل تولد قول درواز هرات، سال تولد (۱۳۳۸) خورشیدی، برابر با (۱۹۵۹)م، است. وی نوازنده چهارتار و زیر بغلی بوده، موسیقی را نزد خسرش استاد براتی که سبک وی هراتی است آموخته است.

محمود خوشنواز

محمود خوشنواز فرزند امیرجان خوشنواز فرزند آقا حسین خوشنواز، محل تولد شهر هرات، سال تولد (۱۳۴۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۱)م، است. وی آواز

زیر وبم

خوان سبک محلی هراتی و کلاسیک بوده، موسیقی را نزد پدرش استاد امیر جان خوشنواز آموخته است و شاگردان زیادی را در رشته موسیقی سبک محلی هراتی و کلاسیک آموزش داده است.

نعمت اله حسین زاده

نعمت اله حسین زاده فرزند حبیب اله فرزند محمد حسین، محل تولد بازار خشک هرات، سال تولد (۱۳۴۳) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۴) م، است. وی تمبک نواز و آواز خوان سبک محلی هرات و ممثل تیاتر است. موسیقی را نزد استاد رحیم خوشنواز و هنر تیاتر را از محمد حسین ابراهیمی آموخته است.

محمد قاسم مسرور

محمد قاسم مسرور فرزند ملا محمد فرزند ملا احمد، ۶۸ محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۲۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۴۱) م، است. وی آواز خوان سبک مقام های خراسانی، محلی هرات و ممثل تیاتر است. موسیقی را نزد پدرش که غزل خوان سبک های خراسانی بود آموخت.

محمد رحمانی

محمد رحمانی فرزند عبدالرحمن، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۴۵) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۶) م، است. وی نوازنده دوتار سبک هراتی بوده، موسیقی را نزد استاد نثار احمد چهار تار نواز آموخته است.

عبدالقدوس توکل هروی

عبدالقدوس توکل هروی فرزند ابوبکر فرزند مرتضی، محل تولد خواجه رخبند شهر کهنه ولایت هرات، سال تولد (۱۳۳۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۵۱) م، است. وی

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

نوازنده دوتار و دلنواز سبک هراتی بوده، و ناگفته نباید ماند که ساز دلنواز که توسط آرشه نواخته می شود از ساخته های خود استا توکل است. وی موسیقی را از استاد رحیم خوشنواز، استاد کریم هروی و علم موسیقی را از استاد محمد طاهر قندهاری آموخته است.

گدا محمد

استاد گدا محمد فرزند سید محمد فرزند عظامحمد، محل تولد هرات سال تولد (۱۳۲۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۴۱)م، است. وی نوازنده دوتار سبک محلی هراتی و کلاسیک بوده، موسیقی را نزد استاد علی احمد، امیر محمد، امیرجان، استاد کریم هروی، غلام حیدر و استاد محمد عمررباب نواز آموخته است.

وحید احمد دل آهنگ

وحید احمد فرزند جلیل احمد دل آهنگ فرزند گل پسند، ۶۹ پدر کلان مادری استاد امیر محمد، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۶۱) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۲)م، است. وی نوازنده رباب سبک هراتی و کلاسیک بوده، موسیقی را نزد پدرش جلیل احمد دل آهنگ آموخته است.

کنعان

کنعان فرزند عبدالسمیع فرزند علی احمد دل آهنگ، محل تولد هرات سال، تولد (۱۳۶۹) خورشیدی، برابر با (۱۹۹۰)م، است. وی نوازنده تبله و دایره زنگی بوده، موسیقی را نزد پدرش و حامد جان آموخته است.

حامد

حامد فرزند عبدالسمیع فرزند علی احمد دل آهنگ،

زیر و بم

محل تولد هرات سال تولد (۱۳۶۶) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۷)م، است. وی نوازندهٔ تبله بوده، موسیقی را نزد پدرش جلیل احمد دل آهنگ آموخته است.

آزاد خان

آزاد خان فرزند عبدالمومن فرزند محمد الف، محل تولد بادغیس، سال تولد (۱۳۷۸) خورشیدی، برابر با (۱۹۹۹) م، است. سبک موسیقی وی آواز خوانی و پایکوبی سنتی بادغیسی بوده، و کاسبی (هنرمندی) را از پدرش آموخته است.

محمد رنگین

محمد رنگین فرزند تاج محمد فرزند شیرمحمد، محل تولد بادغیس، سال تولد (۱۳۷۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۹۵) م، است. سبک موسیقی وی آواز خوانی و پایکوبی سنتی بادغیسی بوده، کاسبی (هنرمندی) را از خدای داد بچهٔ کاکا و از چمنندی مرحوم آموخته است.

خلیفه زلمی

خلیفه زلمی فرزند خلیفه سردار فرزند خلیفه علی بایی، محل تولد ولسوالی کشک بادغیس، سال تولد (۱۳۶۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۵)م، است. سبک ساز سرنا نوازی بادغیسی بوده، کاسبی (هنرمندی) را از استاد حاجی محمد آموخته است

امام الدین

امام الدین فرزند نورمحمد فرزند منصور، محل تولد بادغیس، سال تولد (۱۳۶۲) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۳) م، است. سبک موسیقی وی آواز خوانی و دایره گی (دایره نوازی) بوده، کاسبی (هنرمندی) را از استاد مومن

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

آموخته است.

محمد الف

محمد الف فرزند ارباب صدیق فرزند محمد الف، محل تولد بادغیس، سال تولد (۱۳۶۷) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۸) م، است. وی نوازندهٔ غیچک، دایره، دول و آوازخوان سبک بادغیسی بوده، کاسبی (هنرمندی) را از استاد سردار آموخته است.

جونیت اله

جونیت اله فرزند عبدالعزیز فرزند حبیب، محل تولد بادغیس، سال تولد (۱۳۶۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۵) م، است. سبک موسیقی دایره و دول نوازی بادغیسی بوده، کاسبی (هنرمندی) را نزد پدرش آموخته است.

۷۱

امیر محمد

امیر محمد تنبوری فرزند نظر محمد فرزند نور محمد، محل تولد ولسوالی انجیل منطقهٔ کباییان هرات، سال تولد (۱۳۳۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۵۱) م، است. سبک تنبور نوازی محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد استاد باقی قصاب و استاد توکل آموخته است.

خواجه محمد ابراهیم

خواجه محمد ابراهیم فرزند شهید خواجه غلام محمد یحی ولد شهید خواجه عبدال، محل تولد هرات قریهٔ شادی جام، سال تولد (۱۳۴۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۱) م، است. سبک موسیقی عارفانه بوده، وی آوازهای عرفانی، نواختن نی و فلوت را از استاد فقیری (درویش حسینی) و استاد علی نقی افشاری آموخته است.

زیر و بم

استاد رحیم خوشنواز

استاد رحیم خوشنواز فرزند امیرجان، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۳۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۵۱) م، است. وی از رباب نوازان چهره دست بود که نواختن رباب را از استاد محمد عمر و پدرش امیرجان آموخت و متأسفانه در قید حیات نیست.

استاد کریم هروی

استاد کریم هروی فرزند محمد رحیم، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۱۷) خورشیدی، برابر با (۱۹۳۸) م، است. وی دوتار نواز سبک اصیل هراتی و کلاسیک بوده، موسیقی را نزد استاد هاشم، استاد عمر و استاد امیرجان خوشنواز آموخت. متأسفانه در قید حیات نیست.

ماما حیدر

۷۲ ماما حیدر دوتاری، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۲۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۴۱) م، است. وی دوتار نواز سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد استاد حبیب الله آموخته است.

غلام نبی زنده دل

استاد غلام نبی زنده دل مشهور به صوفی خیاط، محل تولد ولسوالی زنده جان هرات، سال تولد (۱۳۲۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۴۱) م، است. وی دایره نواز و آواز خوان شوقی بوده و در قید حیات نیست.

بابو جلال

بابو جلال، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۲۰) خورشیدی، برابر با (۱۳۴۱) م، است. وی دایره و زیربغلی نواز و یکی از آواز خوانان موسیقی طنزدر هرات بود که در قید حیات

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

نیست.

غلام صدیق بلبل

غلام صدیق مشهور به بلبل فرزند جمعه خان، محل تولد ولایت هرات، سال تولد (۱۳۲۵) خورشیدی، برابر با (۱۹۴۶) م، است. وی زیر بغلی نواز و ممثل آواز بلبل و پرندگان خوشخوان بوده، موسیقی را خود رو آموخته است.

وحید هروی

وحید هروی فرزند غلام صدیق بلبل، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۶۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۱) م، است. وی طبله نواز و سنتور نواز بوده، موسیقی را نزد استاد کریم حسن پور و استاد کریم هروی آموخته است.

۷۳

مجیب الله

مجیب الله عزیز فرزند عبدالکریم، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۶۱) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۲) م، است. وی رباب نواز سبک هراتی و کلاسیک بوده، موسیقی را نزد استاد عطایی و استاد اکرم آموخته است.

سید آصف

سید آصف فرزند میرغلام احمد، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۵۷) خورشیدی برابر با (۱۹۷۸) م، است. وی طبله نوازی را نزد استاد سلیم خوشنواز، استاد کریم حسن پور و استاد آصف محمود آموخته است.

وحید توکل

وحید فرزند استاد توکل دوتار نواز، محل تولد هرات، سال تولد (۱۳۶۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۵) م، است.

زیر و بم

موسیقی را نزد پدرش آموخته است.

محمد رسول

محمد رسول فرزند محمد سرور، محل تولد سیاوشان هرات، سال تولد (۱۳۴۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۵) م، وی نوازندهٔ رباب و دو تار سبک هراتی بوده، موسیقی را نزد استاد خوشنواز آموخته است.

عبدالکریم حمیدی

عبدالکریم حمیدی فرزند عبدالحمید، محل تولد ولسوالی انجیل، سال تولد (۱۳۶۲) خورشیدی، برابر با (۱۹۸۳) م، وی رباب نواز سبک هراتی بوده، موسیقی را نزد استاد رحیم خوشنواز آموخته است.

نثار احمد

۷۴ نثار احمد فرزند حاجی مرتضی، محل تولد قریهٔ ناگهان ولسوالی انجیل، سال تولد (۱۳۵۱) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۲) م، وی دوتار نواز سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد پدرش که دوتار نواز بود آموخته است.

عزیز احمد

عزیز احمد فرزند عبدالصمد، محل تولد ناحیه هفتم شهر هرات، سال تولد (۱۳۵۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۵) م، است. سبک موسیقی او محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد پدرش آموخته است.

بصیر احمد

بصیر احمد فرزند عبدالکریم، محل تولد ولسوالی گذره سیاوشان، سال تولد (۱۳۵۵) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۵) م، است. سبک موسیقی وی دوتار محلی هراتی بوده،

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

موسیقی را نزد استاد کریم هروی آموخته است.

محمد نایب

محمد نایب فرزند محمد ایوب، محل تولد ولسوالی گذر سیاوشان، سال تولد (۱۳۵۷) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۸) م، وی نوازندهٔ دوتار سبک هراتی بوده، موسیقی را نزد مامایش حبیب الله دوتار نواز آموخته است.

بشیر احمد

بشیر احمد فرزند خان محمد، محل تولد ناحیهٔ هفتم شاروالی هرات، سال تولد (۱۳۵۱) خورشیدی، برابر به (۱۹۷۲) م، است. وی نوازندهٔ طبله بوده، موسیقی را نزد محمد سیلیم خوشنواز آموخته است.

امام الدین

امام الدین فرزند حفیظ الله، محل تولد ولسوالی پشتون ۷۵ زرغون، سال تولد (۱۳۴۲) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۳) م، است. وی نوازندهٔ دوتار سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را خود رو آموخته است.

جمعه گل

جمعه گل فرزند حاجی محمد حسین، محل تولد ولسوالی پشتون زرغون هرات، سال تولد (۱۳۴۰) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۱) م، است. وی آواز خوان سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد پدرش آموخته است.

غلام حضرت

غلام حضرت فرزند سلطان احمد، محل تولد ولسوالی انجیل، سال تولد (۱۳۴۹) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۰) م، است. وی آوازخوان سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را

زیر و بم

نزد پدرش آموخته است.

فریدون

فریدون فرزند محمد، محل تولد کابل، سکونت درهرات، سال تولد (۱۳۵۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۵) م، است. وی دهل نواز بوده، موسیقی را نزد پدرش آموخته است.

عبدالخالق

عبدالخالق فرزند حاجی رحیم، محل تولد شهر کهنه هرات، سال تولد (۱۴۵۴) خورشیدی، برابر با (۱۹۷۵) م، است. وی آواز خوان سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد پدرش آموخته است.

محمد عثمان

محمد عثمان فرزند محمد قاسم، محل تولد هرات، سال ۷۶ تولد (۱۳۴۱) خورشیدی، برابر با (۱۹۶۲) م، است. وی آوازخوان سبک محلی هراتی بوده، موسیقی را نزد پدرش آموخته است.

موسیقی اصیل بدخشان، هرات
و بادغیس به روایت تصویر















































استاد کریم هروی



محمود خوشنواز



استاد عبدالقدوس توکل



استاد قاسم منصور



استاد گدامحمد



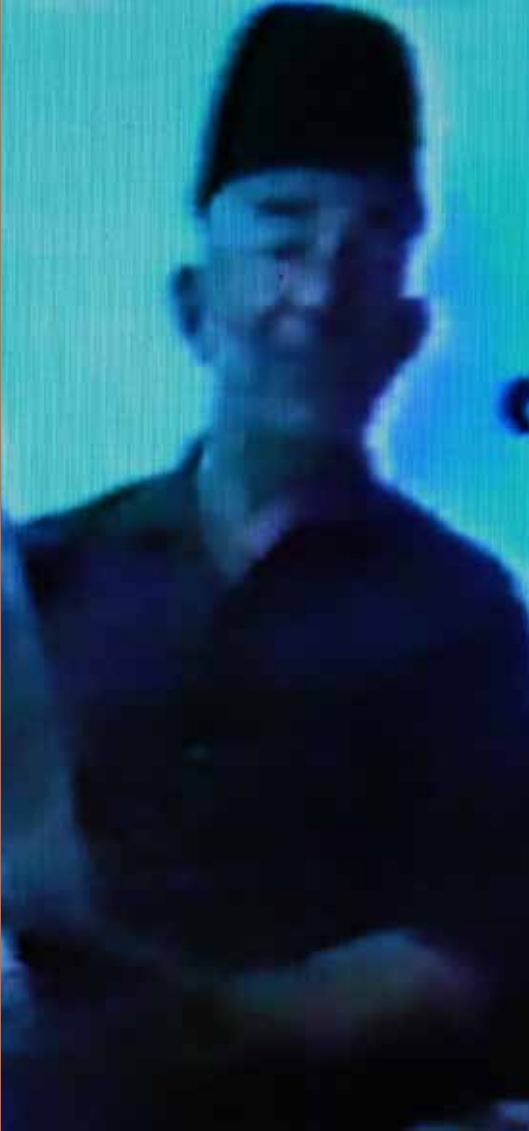
صدیق بلبل



نثار احمد خان چھارتار نواز



خواجه ابراهیم نی نواز



غلام نبی زنده دل



عزت جان هروی



اکه امان فرخاری



خوش محمد فرخاری



غلام جان دروازی



اکه یاسین



سکندر اشکاشمی



میری مفتون



شاه نصیر اشکاشمی



سید مهدی شغنائی



قربان اشکاشمی



در محمد کشمی



عطا محمد اشکاشمی



دولت بیگ



عبدالعزيز اشكاشمی



سید اکبر قلندر فیض آبادی



داودشاه اشكاشمی



رضوان فرخاری



بختی بیگم شغنانی



عبدالسلام اشكاشمی



صفر بیگ



شاه میری شاه پور



عبدالواصل فیض آبادی



عبدالقدیر اشکاشمی



ممتاز منگل



نواز منگل



حاجی محمد تخاری



رحمت جرمی



رجب محمد جرمی



عبداله تخاری



فاضل دفچی



تازه گل وخی



عبدالدیان بدخشی



ابرهیم فرخاری



میر علم



بابه نعیم بدخشی



بازگل بدخشی



بنگیچه



بمبو برکت



بابه قران



جوره بیگ



میرافگن شغنانی



محمد اکبر، مغل بیگ و آدینه هنرمندان و اخان

**Zeer o Bam - A Study of Traditional Music
from Badakhshan, Herat and Badgeis**

Research and writing: Wahid Qasemi

Editor and Publisher: Armanshahr

Design and Layout: Rooholamin Amini

First edition: 2011

Circulation: 1000 copies

Place: Kabul, Afghanistan

All rights reserved

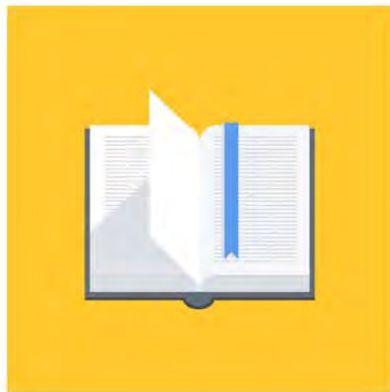
**Contact: [armanshahrfoundation.openasia@
gmail.com](mailto:armanshahrfoundation.openasia@gmail.com)**

Web: [armanshahropenasia@wordpress.com](http://armanshahropenasia.wordpress.com)

This document has been produced with the financial assistance of the French Embassy and the European Union. The contents of the document are the sole responsibility of Armanshahr Foundation and can under no circumstances be regarded as reflecting the position of the French Embassy and the European Union.

Zeer o Bam

A Study of Traditional Music from
Badakhshan, Herat and Badgeis



آیا می‌دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب‌های چاپی بیشتره؟
کارنیل (محبوب‌ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب‌های موفقیت فردی
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب‌ها دسترسی خواهید داشت

www.karnil.com

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  Karnil.com

